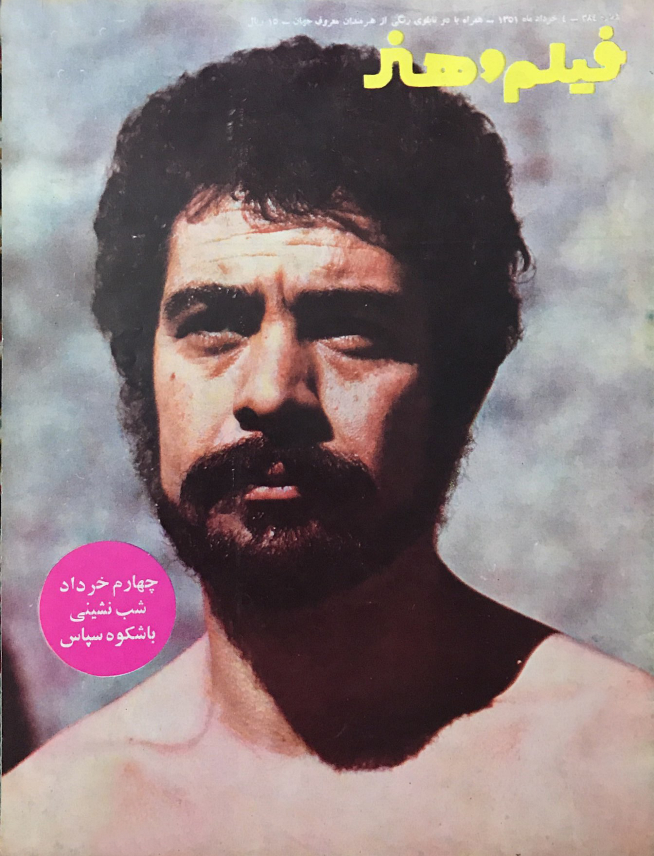
شماره ۲۸۴ — ۴ خرداد ماه ۱۳۵۱ — همراه با دو تابلوی رنگی از هنرمندان معروف جهان — ۱۵ ریال

فیلم و هنر



چهارم خرداد
شب نشینی
باشکوه سپاس

ده میلیون نفر، پنجشنبه مراسم اهدای جوایز



پخش مستقیم

● همکاری صمیمانه و ارزشمند مهندسین تلویزیون و مسئولین هتل اینترکنتیننتال با مسئولین چهارمین جشنواره سینمائی سپاس باشکوه حتمی پخش مستقیم مراسم باشکوه چهارمین جشنواره سینمائی سپاس از طریق تلویزیون، ممکن شده است.

این مراسم از راس ساعت ۹٫۵ از طریق برنامه اول پخش خواهد شد و بدین ترتیب امکان دیدار از مراسم سپاس جهت خوانندگان مجله و علاقمندان سینمای ایران، در شهرستان هائی که درمسیرشبکه سرتاسری تلویزیون ملی ایران هستند، ممکن می ـ شود.

پخش مستقیم از تلویزیون، امیدواریم علاقمندانی را که طی هفته گذشته برای دریافت کارت ورودیه به مراسم سپاس به دفتر مجله مراجعه میکردند (ومتاسفانه کارت های ورودیه به اتمام رسیده است) خشنود کند.

پیامی از ناصر ملک مطیعی ...

● «ناصر ملک مطیعی» که اکنون همراه با اکیپ هنرمندان فیلم «مرد» در یزد بسر می‌برد، طی تلگرافی اظهار امیدواری کرده است که بتواند در جریان برگزاری مراسم «سپاس» خود را به تهران

شب چهارم خرداد سپاس را خواهند دید!

سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران با پخش مستقیم مراسم اهدای جوایز سپاس بزرگترین افتخار را نصیب جامعه هنری ایران مینماید.

برساند . متن تلگراف از اینقرار است :

یزد ــ تهران ۷٤٦ ــ ۱۰۷ (۵۱/۳/۲۸)

خیابان روزولت ــ مجله فیلم و هنر ــ تهران

مرتضوی عزیز : برگزاری مراسم افتخار آمیز سپاس را بشما و همه علاقمندان سینمای ملی تبریک میگویم و آرزویم اینست که بتوانم در روز برگزاری مراسم باشکوه سپاس حضور داشته باشم . باوضع خاص فیلمبرداری و آمدن من به تهران و نتیجتا تعطیل کار دسته جمعی ، ممکن است مرا از شرکت در این مراسم شور انگیز بازدارد، بهر حال موفقیت تو و همکارانت را از صمیم قلب خواستارم و برای همه سینماگران و همکاران بسیار عزیز خودم در این رقابت دوستانه و شرافتمندانه آرزوی توفیق و پیشرفت دارم و امیدوارم کوششهای ارزنده مجله فیلم و هنر در پیشبرد آرزوها و آمال سینماگران حقیقی مفید واقع شود .

ناصر ملك مطیعی .

و داوری ...

● داوران چهارمین جشنواره سینمائی سپاس (دکتر حسن صدر، حاج‌سیدجوادی ــ هژبرداریوش ــ ناصر تقوائی ــ جمشید شیبانی ــ فریدون معزی مقدم ــ بهرامی‌پور ــ عباس جوانمرد ــ عنایت‌الله فمین و آریانا فرشاد) سه‌شنبه شب ، آخرین فیلم کاندیدرا مشاهده خواهند کرد و در روز چهارشنبه جلسه مقدماتی خود را برای رای‌ــ گیری آغاز خواهند کرد .

در این جلسه داوران بحث مقدماتی‌را برای شناسائی کاندیداــ های اصلی دریافت جایزه آغاز می‌کنند و روز پنجشنبه در محل هتل اینترکنتینانتال جلسه نهائی خود را از ساعت ۱٤ آغاز کرده و کمی پیش از شروع مراسم‌اهدای جوایز ، جلسه را خاتمه خواهند داد .

یك روز تعطیل

● سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی ،باموافقت اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران طی بخشنامه‌ای به کلیه اعضاء خود اطلاع داده است که روز پنجشنبه ٤ خرداد کلیه جلسات فیلمبرداری تعطیل خواهد بود . این تعطیل به جهت آمادگی هنرمندانی است که قرار است، شب همین روز ، در مراسم باشکوه سپاس حضور داشته باشند .

فیلمها

● فیلم هائی‌که در چهارمین جشنواره سینمائی سپاس جهت داوران نمایش داده شده ، اینها ست :

فیلمهای طویل :

باباشمل (علی حاتمی) داش‌ــ آکل (مسعود کیمیائی) خداحافظ رفیق (امیر نادری) مردان سحر (اسماعیل نوری علاء) فرار ازتله (جلال مقدم) درشکه‌چی (نصرت‌اله کریمی) ایوب (فریدون ژورك) قصاص (نظام فاطمی) آدمك (خسرو هریتاش) محلل (نصرت کریمی) سه‌قاپ (ذکریا هاشمی) و ...

غلام ژاندارم (امان منطقی) کلبه‌ای آنسوی رودخانه (احمد شیرازی) نقره داغ (ایرج‌قادری) پل (خسرو پرویزی) رشید (پرویز نوری) یك چمدان سکس (محمد متوسلانی) یك خوشگل و هزار مشکل (محمد علی زرندی) الکلی (محمدعلی جعفری) .

● فیلم های : باباشمل ، آدمك ، کلبه‌ای آنسوی رودخانه و یك خوشگل و هزار مشکل (رنگی) و بقیه بطریقه سیاه و سفید فیلم‌ــ برداری شده‌اند .

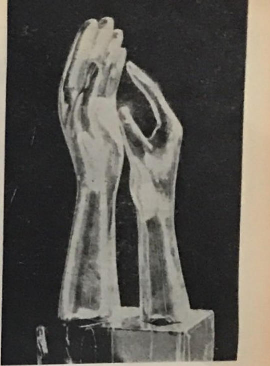
فیلمهای کوتاه .

فیلم های ۸ میلیمتری: پیاده، اسب ، فیل (محمود رئوفی) عاشورا (ش.م. فرهمند) عتیقه (عبدالحمید حمیدی) سناك (فصیحی‌فر) کولبار (عبدالحمید حمیدی) فیلم فارسی! (شریفی) گرایش (طوفان) دهن کجی (عبدالحمید حمیدی) .

● این فیلمها از بین ۱۹ فیلم برای نمایش جهت هیئت داوران انتخاب شد و در انتخاب مجدد و نمایش فیلم های ۸میلی‌ــ متری با حضور دو تن از داوران چهار فیلم (پیاده ، اسب ، فیل ــ عاشورا ــ عتیقه و کولبار) برای نمایش جهت جمیع داوران‌انتخاب و نمایش داده شد .

فیلم های۱٦و۳۵ میلیمتری: ایران ، سرزمین طبیعت های زیبا (هوشنك شفتی) مسجد جامع (منوچهر طیاب) شیشه (خسرو پرویزی) .

لطفا ورق‌بزنید



تهران در انتظار آخرین لحظات سپاس

توریست در ایران (خسرو سپائی) عبار (احمد پور رحیم شیرازی) ایران ، سرزمین ادیان (منوچهر طیاب) پارخه کلاغی (خسرو پرویزی) دروازه آشوئیس (مارکو گریگوریان) شرح حال (خسرو سپائی) آیا (بهرام‌شهید ثالث) مردی که پسرش را فهمید (پرویز امیر افشاری) کفربار (علی‌اصغر معصومی) آینه‌های زمینی (محمود دهخدا) از درون‌وبیرون یك زندگی (فرهاد محمدآبادی) گلزمن (طاهری دوست) عاقبت (قلی‌زاده — جوادی)

پیش‌بینی‌ها ...

* روزنامه **کیهان** نوشته است:

باحتمال قوی فیلم «درشکه‌چی» «نصرت کریمی» جایزه بهترین‌فیلم سال را میگیرد و هم چنین خود «کریمی» باعنوان بهترین بازیگر مرد .

* مجله **«فردوسی»** چنین اظهار نظر کرده‌است :

امسال **بهروز وثوقی ، ناصر ملک‌مطیعی وکریمی** از جمله پرشانس‌ترین بازیگران مرد — **فروزان و ایرن** در میان زنان **وفیلمهای سه‌قاب ، مردان سحر، داش آکل و فرار از تله شانس بیشتری دارند .**

* عقیده مفسر روزنامه **«آیندگان»** درباره کسانیکه ممکن **است جایزه سپاس را دریافت کنند، چنین است :**

«جوایز سپاس، چهارم خرداد به‌برگزیدگان سینمای ایران اهدا میشود . گفته میشود که شانس فیلمهای داش‌آکل ، درشکه‌چی ، آدمك ، محلل ، فرار از تله و سه‌قاب بیش از دیگر فیلمهاست .

مطبوعات

* مطبوعات تهران کماکان در اطراف «چهارمین جشنواره سینمائی سپاس» قلمفرسائی می — **کنند .**

در هفته گذشته این مجلات درباره «سپاس» **نوشته‌اند :**

مجله **تماشا** — مجله **سپید و سیاه** — روزنامه **آیندگان** — مجله **اطلاعات هفتگی** — مجله **تهران اکونومیست** — مجله **صبح امروز** — مجله **تهران‌مصور** — مجله **این‌هفته** مجله **فردوسی** — روزنامه **آفتاب شرق** ومجله **جوانان**

استقبال مطبوعات تهران هر سال رو‌بتزاید میگذارد و همین مسئله سبب گردیده که بیشتر از سالهای قبل مطبوعات متوجه‌سپاس وموجودیت آن شوند و هرهفته در این زمینه عکس و مطلبی داشته باشند .

ده میلیون بیننده

* امسال خوشبختانه‌تلویزیون ملی ایران بااقدام بزرك خود درمورد پخش مستقیم مراسم اهدا درمورد پخش مستقیم مراسم‌اهدای جوایز بزرگترین افتخار را نصیب جامعه هنری ایران نموده است . هیچ رویدادی چون پخش مستقیم مراسم نتوانسته‌است‌بارزش واهمیت کار بیافزاید و بهمین علت تمام دست اندرکاران سینما در ایران میکوشند که هرچه باشکوهتر این کار را بپایان رسانند . در حال حاضر یك گروه چهل نفری درسه کمیته مختلف تمام مسائل را زیر نظر دارد تابتواند تا حد امکان دربهتر برگزار کردن مراسم‌توفیق یابد . باتوجه‌باین مسئله که‌فرستنده تلویزیون برنامه «سپاس» راازشبکه سراسری کشور پخش خواهد کرد بهمین جهت پیش‌بینی خواهد شد که ده میلیون بیننده مراسم‌اهدای جوایز سپاس را از تلویزیون مشاهده کردهو محبوبترین‌هنرمندان سینما ، تاتر ، رادیو و تلویزیون رامشاهده کنند و شکوه‌خیره‌کننده مراسم را در اقصی نقاط کشور تماشا کنند .

برنامه مراسم اهدای جوایز

* برنامه شب‌نشینی ازساعت ۹٫۳۰ دقیقه بعدازظهر پنجشنبه آغاز گردیده و تاساعت ۱۲ ادامه خواهد داشت . درطی این مدت خوانندگان محبوب و موفق رادیو وتلویزیون برنامه اجرا خواهند کرد ودر ساعت ۱۱ مراسم اعلام برندگان و اهدای جوایز طی تشریفات خاصی انجام خواهد شد ودر میان یك دنیا هیجان و اضطراب پاکات حاوی نام‌برندگان باز وجوایز برندگان تقدیم خواهد شد .

در مراسم امسال‌بیش ازششصد تن شرکت خواهند داشت که‌تعدادی ازاین عده خوانندگان مجله‌هستند که ازنقاط مختلف‌کشوروشهرستانها اقدام برزرو بلیط نموده و بارسفر رامتحمل شده و بتهران آمده‌اند . هنرمندان مرد و همراهان و ستارگان معروف سینمای ایران مجلل‌ترین و فاخرترین لباسهای خود را که اختصاصا جهت سپاس تدارك دیده‌انددرآن شب رویائی برتن خواهندداشت .

لحظات انتظار

* بیش از سه روز بآغاز مراسم نمانده درطی این سه روز هیجانات و التهابات باوج خود میرسد ، چندین گروه فیلمبرداری که در شهرستانها سرگرم فیلم — برداری بوده‌اند کار خود راپایان رسانده و جهت شرکت در مراسم بتهران بازگشته‌اند . درسرهرجلسه، درهراستودیو و هرکجا که صحبت ازسینما وهنر باشد این روزها نام سپاس برسرزبانها است وهرچه ساعت ۱۱ شب چهارم خردادنزدیك می‌شویم این لحظات اضطراب و انتظار افزون‌تر می‌شود . اما در هرحال قلب همه هنرمندان سینمای ایران در تب‌وتاب این حادثه‌بزرك است . حادثه‌ای که تحول عمیق‌در همه ارکان سینمای این مرز وبوم افکنده‌است .

ما باشما روز ٥ شنبه ٤خرداد ماه ، ساعت ٥٫٥ بعدازظهر وعده دیدار داریم .

رویدادها

فرشته و پاسبان

● محمد همایون که تادوهفته‌ی دیگر فیلم «تپلی» از او به روی اکران خواهد آمد قرار دادی با جمشید شیبانی منعقدنموده تابموجب آن با همکاری وی تهیه فیلم تازه‌ای را آغاز نماید موسوم به «فرشته و پاسبان» که در آن علاوه برایفای نقش اصلی آن شخصا کارگردانیش را نیز انجام دهد. سناریوی این‌فیلم‌را هم‌اکنون «رضا میرلوحی» می‌نویسد و قرار است فیلمبرداریش را ایرج صادقپور انجام دهد هنوز هنرپیشگان دیگر آن بدرستی انتخاب نشده‌اند ولی مرتضی عقیلی ایفاگر یکی از نقش های اصلی آن خواهد بود.

تعویض هنرپیشگان آبنبات‌چوبی

● باآنکه قسمت هائی ازفیلم «آبنبات چوبی» محصول تازه پارس‌فیلم با شرکت عده‌ای چهره جدید فیلمبرداری شده بود ولی بانظر تهیه کننده آن بجای چهره‌های جدید عده‌ای هنرپیشه حرفه‌ای و صاحب نام انتخاب و تهیه فیلم مزبور مجددا آغاز شد. در این فیلم که سناریست و کارگردانش امان‌الله منطقی و فیلمبردارش نصرت‌الله کنی است منوچهر وثوق، نوری کسرائی ، فرخ ساجدی ، جمشید مهرداد و جمشید مشایخی نقشهای اصلی را بازی مینمایند.

هفت کچلون

● آرمان که تا اواخر همین ماه فیلم «مستاجر» را بروی‌اکران خواهد فرستاد بانمایش این فیلم تهیه و کارگردانی فیلم تازه‌ای‌را آغاز خواهد کرد موسوم به «هفت کچلون» که آنرا نیز قاسمی‌وند فیلمبرداری خواهد کرد ومحصولی است از سازمان سینمائی‌مشعل هنوز هنرپیشگان این‌فیلم انتخاب‌نشده‌اند ولی خود آرمان یکی از نقشهای اصلی آنرا بازی خواهد کرد.

حکیم‌باشی در مراحل فنی

● بااتمام صدابرداری فیلم «حکیم‌باشی» سایر مراحل فنی و تکنیکی این محصول تازه استودیو میناقیه از این هفته آغاز شده است و تا چند روز دیگر موزیک‌متن آن نیز که «مجتبی میرزاده» سازنده‌ی آنست ضبط خواهد شد. در این فیلم که بکارگردانی پرویز نوری توسط همایون ارجمند فیلمبرداری شده نصرت کریمی ، ایرن، منوچهر والی‌زاده ، دیانا ، مفیدی ، شفیع، تجدد و دلارام شرکت دارند واز جمله فیلمهائی است که پیش‌بینی میشود باموفقیت زیاد علاقمندان فیلمهای ایرانی مواجهه گردد.

شناسنامه جلوی دوربین

● از این هفته فیلمبرداری محصول تازه پارس فیلم موسوم به «شناسنامه» که سناریوی آنرا «احمد نجیب‌زاده» نوشته‌است بکارگردانی نصرت‌الله وحدت توسط محمود کوشان آغاز میشود.

رلهای‌اصلی شناسنامه‌راوحدت، رضاکرم رضائی و چهره جدید ژاله کریمی «که برای اولین بار در فیلم «لج و لجبازی» همراه‌وحدت و ارحام صدر بازی کرده است و شناسنامه دومین فیلم اوست» بعهده دارند.

ارحام صدر در تهران

● هفته گذشته ارحام صدر برای انجام صدابرداری فیلم «مستاجر» به تهران آمد و بعد از اتمام کار مجددا به اصفهان‌بازگشت «وی هم‌اکنون همراه ترویش در اصفهان سرگرم نمایش فتنه‌گران میباشد».

فیلم مستاجر که هم‌اکنون با سرعت مراحل فنی‌اش در استودیو نقش جهان طی میشود و محصولی است ازسازمان سینمائی مشعل‌اواخر خرداد ماه به روی اکران خواهد آمد و در آن علاوه برارحام صدر سیمین ، پروین ملکوتی ، پژوهان، آقاجانی و آرمان نیزشرکت‌دارند. سناریست و فیلمبردار مستاجر قاسمی‌وند و کارگردان و تهیه کننده‌اش آرمان میباشد.

لطفا ورق بزنید.

● یک ایمانوردی و عده‌ای موتور سوار در نمای جالبی ازفیلم «مرد اجاره‌ای» کار تازه خسرو پرویزی و محصول استودیو آریی





● نصرت کریمی و منوچهر والی‌زاده در نمائی ازفیلم «حکیم‌باشی»

بار دیگر بیك و مرجان

● بیك ایمانوردی ومرجان که‌تاکنون درفیلمهای زیادی‌منجمله قلاب ، دلقکها ، کاکل‌زری،همیشه قهرمان ، مرد اجاره‌ای و...همبازی بوده‌اند هفته گذشته برای ایفای نقش مقابل یکدیگر در فیلم‌تازه‌ای کاندید شدند موسوم به « طوق لعنت» که محصولی است از اسکار فیلم و قرار است بکارگردانی اسماعیل پورسعید سازنده‌ی فیلم «توبه» توسط‌رضا مجاوری‌درنواحی غرب ایران «همدان یا کرمانشاه» فیلمبرداری شود .

بهمن مفید و شیراندامی نیز از جمله هنرپیشگانی هستند که‌قرار است در این فیلم بازی نمایند.

عطش رو به اتمام

● «عطش» که هم‌اکنون در نواحی همدان جلوی دوربین است تا اواسط هفته آینده فیلمبرداری آن بپایان خواهد رسید و اکیپ سازنده به تهران مراجعت خواهند کرد . در این فیلم که بکارگردانی ایرج قادری توسط کمال مطیعی فیلمبرداری میشود ایرج قادری، کتایون ، کهنموئی و شیراندامی نقشهای اصلی را بازی مینمایند . تهیه کننده عطش جمشید شیبانی است و توسط شرکت سهامی سینما تئاتر رکس پخش خواهد شد .

توضیح ساموئل

● هفته گذشته خبری داشتیم که چون بهروز وثوقی بخاطر تعهدی که در استودیو میثاقیه برای بازی در فیلم «زخمی‌ها» داشته ، نتوانسته است پیشنهاد «ساموئل خاچیکیان» را برای بازی در فیلم بوسه‌برلبهای خونین پذیرا شود و ساموئل هم بهمین جهت بجای وی باچهره جدیدی بنام «ساسان» قرارداد بسته است . چون خبر مزبور در آخرین فرصت هفته گذشته بدست ما رسیده بود و نتوانستیم با خود ساموئل در این مورد تماسی داشته باشیم‌لذا بعد از انتشار شماره گذشته ساموئل خبر مزبور را بی‌اساس دانست و توضیح داد که هنوز برای ایفای نقش اصلی بوسه برلبهای خونین با هیچ هنرپیشه‌ای قرارداد نبسته است و ساسان رل دیگری در فیلم مزبور بازی مینماید ، ساموئل در مورد بازی اکبر هاشمی‌هم درفیلم خود اظهار بی‌اطلاعی نمود .

دو قرارداد تازه بابهروز وکیمیائی

● هفته‌گذشته مسعودکیمیائی و بهروز وثوقی هرکدام دوقرارداد تازه با شرکت سهامی سینما تئاتر رکس منعقد نمودند تا بموجب آن بهروز وثوقی در دو فیلمی که کیمیائی برای شرکت مزبورخواهد ساخت ایفاگر نقشهای اصلی باشد . هنوز از نام فیلمهای مزبور ودیگر هنرپیشگان آن اطلاعی در دست نیست ولی مسلما این فیلمهارانعمت حقیقی فیلمبرداری و اسفندیار منفردزاده برایشان موزیك متن خواهد ساخت .

تختخواب شروع میشود

● بااتمام‌فیلمبرداری «حسن سیاه» بلافاصله کار تازه نصرت کریمی در زمینه‌ی کارگردانی و بازیگری موسوم به «تختخواب سه نفره» محصول آس‌فیلم آغازخواهد شد .

در این فیلم که سومین فیلم طویل کریمی است‌وتوسط نصرت‌الله کنی فیلمبرداری و عباس همایون تهیه خواهد شد نصرت کریمی ، توران مهرزاد ، لرتا ، دیانا و عده‌ای دیگر شرکت دارند . دو چهره جدید نیز بااین فیلم معرفی میشوند .

کلاغ در اصفهان !

● اکیپ سازنده‌ی فیلم «یك کلاغ ، چهل کلاغ» این هفته جهت شروع تهیه آن راهی اصفهان شدند در این فیلم که سناریوی‌آنرا احمد نجیب‌زاده نوشته است و به کارگردانی امیرشروان تهیه میشود ارحام صدر ، جمیله ، میری، عادل



● پروین ملکوتی ، ارحام صدر ،آرمان ، پژوهان و آقاجانی در صحنه‌ای از فیلم «مستاجر»



● فردین ، رضا عبدی ، فرزانه تائیدی ، داود رشیدی ، منصور جهانشاه و پوری بنائی در نمائی از «من + جهنم»

روحی ، جمشید آریا ، فرخ‌لقا هوشمند و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

این فیلم که محصولی است از فردوسی فیلم باسرمایه‌ی محمد کریم ارباب تهیه میشود . با اتمام فیلمبرداری این فیلم ارحام صدر بازی درفیلم پریزاد محصول‌سازمان سینمائی چلستون را آغاز خواهد کرد و سپس جهت یك استراحت یکماهه و معالجه به اروپا سفر خواهد کرد بهمین جهت قرارداد تازه‌ای منعقد نمی‌نماید .

همیشه قهرمان تمام شد

● این هفته مراحل فیلمبرداری محصول تازه فیلمکوفیلمز موسوم به «همیشه قهرمان» توسط مازیار پرتو بپایان رسید وهم‌اکنون مشغول مونتاژ آن میباشند . دراین فیلم که سناریست و کارگردان آن عزیزالله‌بهادری‌است بیك‌ایمانوردی مرجان ، میری ، جهانگیر فروهر، فرخ‌لقا هوشمند ، محمد عبدی ، تهرانی، علی دهقان ، مرتضی‌حدیقی و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

قایقرانان رو به اتمام

● فیلمبرداری یکی‌ازمحصولات تازه سیرافیلم موسوم‌به«قایقرانان» رو به‌اتمام است و کادر سازنده‌ی آن تا چند روز دیگر از شمال به تهران مراجعت خواهند کرد .در این فیلم که بکارگردانی‌رضاصفائی توسط علی صادقی فیلمبرداری می‌شود منوچهر وثوق ، پوری‌بنائی، کامی کسروی ، سرکوب ، حسن رضیانی ، آرزو، مرتضی احمدی و میری شرکت دارند . صفائی با مراجعت بتهران و آماده شدن‌فیلم قایقرانان فیلم تازه‌ای‌برای‌فیلمکوفیلمز خواهد ساخت که در حال حاضر حبیب‌الله کسمائی مشغول نوشتن سناریوی آنست .

صدابرداری هارون‌الرشید

● هفته آینده صدابرداری یکی از محصولات پارس‌فیلم‌موسوم به «هارون الرشید و جعفربرمکی» انجام خواهد شد . در این فیلم تاریخی که بطور سینما سکوپ‌سیاه و سفید توسط محمود کوشان‌فیلمبرداری شده ایلوش ، وجستا،رضا رخشانی، ژاله، ساعت‌ساز، حبیب‌اله بلور ، دو کودك خردسال پیمان‌و کامبیز کوشان ، حسین محسنی و میری شرکت دارند .

مرد اجاره‌ای آماده میشود

● با انجام صدابرداری‌فیلم «مرد اجاره‌ای» که این هفته‌زیر نظر «منوچهر اسماعیلی»دراستودیو شهاب انجام میشود این فیلم تا دو هفته دیگر آماده نمایش خواهد شد . در این محصول استودیوآریی که بکارگردانی خسرو پرویزی توسط فریدون ری‌پور فیلمبرداری شده است بیك ایمانوردی، مرجان، فرخ ساجدی، شهرزاد، جهانگیر فروهر،ناظری‌وصادق بهرامی‌شرکت دارند . سناریوی مرد اجاره‌ای را جمال امید و بهرام ری‌پورنوشته‌اند و احمد شاملو روی آن دیالوك گذاشته است .

سفر

● اسماعیل نوری‌اعلاء سازنده‌ی فیلمهای مردان سحر و معطرب و عضو هیئت‌مدیرەسندیکای هنرمندان اوایل تیر ماه جهت گذراندن ایام تابستان به‌انگلستان سفر خواهد کرد واواخر امردادماه مراجعت مینماید . نوری اعلاء در این سفر سناریوی فیلم تازه‌اش را

لطفا ورق بزنید

بعلت انتشارشماره مخصوص چهارمین دوره جشنواره‌سینمائی سپاس، شماره آینده استثنائاً در تهران صبح پنجشنبه منتشر خواهد شد .



● میری، محمدعبدی وبیك‌ایمانوردی در نمائی از «همیشه قهرمان»

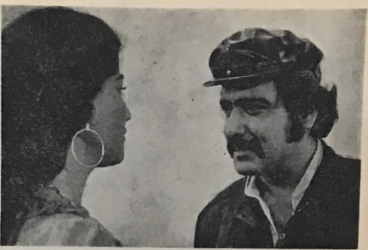
وگروه انگلیسی‌اش درسال ۱۹۷۰ بکارگردانی «یان‌بریمس» درایران ساخته شده‌است .

«بریمس» بادیدی شاعرانه، دیدنیهای ایران را در خلال داستانی لطیف بیان کرده است .

فرم و تکنیک در فیلم‌درحدی غنی بهرمی‌برد و فیلمبرداری درخشان است ، در اینجا بایستی از صدابرداری «ابوالقاسم فیروزه» به‌نیکی یادکرد .

محبوب بچه‌ها مجددا شروع میشود

● با نمایش مرد اجاره‌ای بیك ایمانوردی در تیر ماه فیلم تازه خود «محبوب بچه‌ها» را که چندی پیش قسمتهائی از آن را تهیه کرده بود مجدداجلوی‌دوربین خواهد برد .



● موچهر وثوق و پوری بنائی در نمائی از فیلم «قایقرانان» محصول سپیرافیلم

که مستقلا خواهد ساخت مینویسد. در فیلم مطرب که تا چند روز دیگر آماده نمایش خواهد شد و محصولی است از شرکت سهامی سینما تئاتر رکس جمشید مشایخی، نیلوفر ، فرشیده فرزان ، مرسده کامیاب ، مقبلی ، مرتضی احمدی و عده‌ای دیگر شرکت دارند .

جهنم + من

● هفته گذشته صدابرداری فیلم جهنم باضافه من انجام گردید ودر این هفته امور فنی آن آغاز شد . جهنم + من که از فیلمهای پرسروصدای امسال خواهد بود آخرین فیلمی است که‌توسط فردین تهیه شده‌وخود درآن نقش نخست را بعهده‌دارد .

پوری بنائی — فرزانه‌تائیدی ـ داود رشیدی ـ شیراندامی ـ کهنموئی ـ منصور جهانشاه ـ ورضا عبدی سایر بازیگران این فیلم هستند که توسط سیاوش‌یاسمی کارگردانی شده‌است .

تپلی در فستیوالی دیگر

● فیلم تپلی ساخته رضا میرلوحی ، بعد از انتخاب جهت نمایش در فستیوال برلن ، اینك‌برای‌شرکت درفستیوال سن‌سباستیان نیز برگزیده شده است و در این‌هفته‌کپی تازه‌ای ازآن برای ارسال تهیه شده است ، علاوه بر آن‌سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی در نظر دارد بمنظور تشویق از تهیه‌کنندگان و بازیگران فیلم ، طی مراسمی از آنان تجلیل بعمل‌آورد .

تپلی محصول تازه‌ای است‌ازآس‌فیلم که باشرکت همایون ، رری خوشکام ـ عقیلی ـ ذکریا هاشمی ـ بهرام وطن‌پرست وگروهی دیگر توسط ایرج صادقپور تهیه‌شده است .

عیالوار

● از روی ساریوئی که توسط بهرام‌ری‌پور نوشته شده قرار است فیلمی باشرکت نصرت کریمی جلوی دوربین قرار گیرد منتهـا رقم دستمزدی که نصرت کریمی برای بازی در فیلم پیشنهاد نموده است دومیلیون ریال‌است و تهیه ـ کنندگان ناچارارحام‌صدر را برای بازی در فیلم کاندید نموده‌اند که درصورت قبول‌وی، اواخر شهریور ماه فیلم مزبور در اصفهان جلوی دوربین خواهدرفت .

یك داستان زیبای ایرانی

● فیلم «یك داستان زیبای ایرانی» آماده نمایش شد و جهت تعدادی از صاحبنظران نمایش داده شد ، این فیلم وسیله خانم «آن‌تاد»

نشریه هفتگی

فیلم وهنر

صاحب امتیاز و مدیر :

عبدالمجید رمضانی

آدرس اداره : ابتدای روزولت شماره ۲ ـ آپارتمان شماره ۱۰

تلفن امور اداری

۸۳۹۹۷۱

تلفن هیئت تحریریه :

۸۳۳۶۳۵

چاپ از : سکه

تلفن ۳۱۳۹۳٤

گراور از : جواهری

تلفن ۳۱٤۳۱۱

روی جلد : بهروز وثوقی

تابلوی وسط : ناتالی‌وود

رفراندوم جدید فیلم وهنر، واقعه مهم سال

جنجال انتخاب «ملکه زیبائی» همچنان ادامه دارد



● پوری بنائی

● پوری بنائی بجای ایرن و زری خوشکام بجای فروزان رای بیشتری آوردند ● کتایون در این هفته جایگزین سهیلا گردید.

● در این هفته ما نسبت به هفته‌های گذشته نامه‌های کمتری داشتیم و روبهمرفته تعداد آنها از سه‌هزار نامه تجاوز نمیکرد . یکی از اعضاء کمیته بررسی به نامه‌ها دراین‌موردمعتقد است که «جشنواره سپاس» و برگزاری آن که قرار است روز پنجشنبه انجام شود در این مورد بی‌تاثیر نبوده‌است .

در میان این‌نامه‌ها بیش از هرکس نام پوری بنائی ، زری خوشکام و کتایون بچشم میخورد. پوری بنائی که در هفته گذشته بیش از ۷۹۸۵ رای آورده در این هفته بااختلاف ۱۳۰۲ رای‌جایگزین ایرن شده و زری خوشکام نیز با اختلاف ۱۱۰۵ رای نسبت به‌هفته گذشته جایگزین فروزان گردید . راستش برای‌ما تعجب‌آور بود که بیکباره «کتایون» که مدتهاست فعالیت سینمائی ندارد تابدین حد بتواند درانتخاب «ملکه زیبائی» رای بیاورد . وما رابرآن داشت تا دراین مورددست به‌تحقیقاتی بزنیم. کتایون ظرف چندهفته گذشته با آوردن تعداد کمی رای نامش جزو کاندیدهای «ملکه زیبائی» ثبت گردید ولی هرگز نتوانست جزو ده تن از کاندیدهای اصلی درآید ودراین هفته باآوردن۳۹٤۵ رای جایگزین سهیلا گردید و نام سهیلا ازده تن کاندیدهای اصلی حذف گردید . بهرحال بعد از تحقیقات معلوم شد که اخیرا چند فیلم پی‌درپی‌از کتایون درشهرستانها نمایش داده شده‌است و همین امر باعث شده‌است که کسانیکه‌ازفیلمهای وی دیدن کرده‌اند اورا بعنوان «ملکه زیبائی» خود انتخاب نمایند وبدین ترتیب پیش‌بینی میشود با شروع فعالیت مجدد کتایون و باز گشت اوبه‌سینمابزودی‌جزوکاندید‌های نخستین «ملکه‌زیبائی» درآید.

درست لیست

● یکی از خوانندگان مجله دراین هفته طی نامه خود نوشته است خوانده‌ام که پوری بنائی در پاسخ شما گفته است که هرگز خود را کاندید «ملکه زیبائی» نمی‌کند و اضافه کرده است من هرگز زیبا نیستم چون فکر میکنم کسان دیگری هستند که میتوانند خودشان را کاندید کنند !!

خانم سیمین شالچی از مشهد بدنبال این مطلب اضافه میکنند بعقیده من پوری بنائی یکی از زیباترین و هرمندترین هنرپیشگان سینمای ایران است و شنل افتخار حق مسلم اوست و من از همه علاقمندان به سینمای فارسی میخواهم که باو رای بدهند . و اجازه ندهند با انتخاب هنرپیشه دیگری حق وی پایمال شود .

عقیده این‌خوانندهٔ عزیز برای مامحترم است و چاپ نامه ایشان ازمیان نامه‌های کثیری که همه هفته بدست مامیرسد دال براین مدعاست که مجله هرگز در انتخاب «ملکه زیبائی» دخالتی ننموده وهر خواننده علاقمندی میتواند براحتی درمورد هنرمندان دلخواهش اظهار عقیده نماید . لازم بتذکر است که بزودی هیئت ژوری برای انتخاب «ملکه زیبائی» انتخاب و معرفی خواهند شد و خوانندگان مجله نیز بعنوان یك نفر از هیئت ژوری میتواند درسرنوشت انتخاب ملکه زیبائی موثر باشد .

هجدهم خرداد

● هفته آینده بعلت انتشار شماره مخصوص ، بخاطربرگزاری چهارمین جشنواره سپاس متاسفانه دنباله این مطلب چاپ نخواهد شد و بجای آن در هجدهم خرداد نام کلیه کاندیدهای «ملکه‌زیبائی» وحائزین اکثریت چاپ خواهد شد وباحتمال قوی‌در مورد هیئت‌ژوری واحیانا نام آنها گفتگوئی با خوانندگان خود خواهیم داشت.

آخرین نتایج بمناسبت‌انتخاب ملکه زیبائی بترتیب آراء از نفر اول تادهم .

● پوری بنائی ۹۲۸۷ رای ● ایرن۹۱۱۸رای ●زری‌خوشکام ۸۹۳۱ رای ●فروزان ۸۹۲۵ رای ●مرجان ۷۷۱٤ رای ●گوگوش ۷۲۱۲ رای ● ژاله سام ۶۸۲۵ رای ● فریبا خاتمی ۵۹۲۸ رای ● ارغوان ٤۱۱۹ رای● کتایون ۳۹۸۲ رای



● کتایون



عباس شباویز پس از یکسال،

● عباس شاویز با تاسیس آریانا فیلم هدف معماری داشت و آن این که سینمای مورد علاقه کشورش را اعتلا بخشد. گام‌های اولیه راهم جهت این اعتلاوتحول بوجود آوردن برداشت. اما بعد بخاطر پاره‌ای علل، وقفه‌ای در کارش افتاد و اورا از هدفی که ازابتدای راه درپی آن بود، بازداشت. نتیجه این شدکه این مرد را مدتی از سینمای ایران دور کرد. در واقع او طی این مدت گرچه درمتن قرار نداشت اما مبارزه خود را جهت تحقق‌بخشیدن به‌هدف خوددر حاشیه اصلی‌سینمای ایران دنبال میکرد و حالا که پس از مدتی بایکدیگر روبـرو شده‌ایم او دلیل این سکوت‌ظاهری رابار میگوید و خیلی حرفهای شنیدنی و داغ دیگر که ملاحظه خواهید کرد.

ــ دلیل این سکوت یکساله شما وآریانا فیلم چه بود درحالی که قبلا کارنامه درخشانی ارائه کرده بودید مثل قیصر، سه‌دیوانه و... وآیاساختن فیلم مشترک«همای سعادت» شما را ازراه اصلی‌تان دور ساخت؟

● بدوا باید بگویم که‌بطور کلی برنامه اجرائی فیلم درآریانا فیلم درسه چهار سال‌گذشته چه از نظر تجارتی وچه از نظر برتربودن از سینمای معمولی، جمعا موفق و مورد تائید بوده است. من این نکته را بارها گفته‌ام و بازهم میگویم که سینمای ایران نیاز به تقویت بنیه مالی دارد و باکمال تاسف دولت هیچ توجهی علاباین سینما نمیکند. اگر بنیه مالی سینمای ایران تقویت شود با این بازار کوچکی که دارد هیچوقت نمی‌تواند پیشرفت کند.

دولت که به سینمای ایران توجهی ندارد، پس وظیفه بخش خصوصی است که خودش برای کالای خودش دست و پائی کند. تازه گه‌گاهی هم که بخش‌خصوصی جهت جلب حمایت دولت پافشاری میکند، نیم نگاهی بدین سوی قضیه می‌اندازند و کار در مرحله اجرا بایگانی میشود و این‌بدان خاطر است که شاید دولت هنوز بی به‌اهمیت سینما چه از نظر اقتصادی وچه‌ازنظر بالا بردن فهم عامه نبرده باشد و شاید هم‌بی‌توجه بوده‌اند.

من بدنبال تفکر در مورد تقویت بنیه‌مالی‌سینمای ایران برای ایجادبازار، بفکر فیلمهای‌مشترک

درکادر وسیع آن افتادم. البته قبلا ازطریق اتحادیه صنایع ملی فیلم ایران و تا اندازه‌ای کمک وزارت فرهنگ وهنر اقداماتی کردیم وفقط متاسفانه توانستیم‌بازار شیخ‌نشین های خلیج فارس و افغانستان رابدست آوریم که اینها هم مجموع بازده اقتصادی‌شان‌بیش از ۲۰ هزارتومان نمیشود.

همین امر باعث شد که من بدنبال بازار وسیع‌تری بروم و

همای‌سعادت را با همکاری سینماگران هندی بسازم وبرای این کار حدود ۵ میلیون تومان هم بطور مشترك سرمایه‌گزاری کردیم. ۵۰٪ از طریق آریانا فیلم و ۵۰٪ازطریق تهیه‌کنندگان فیلم «همای سعادت» در هندوستان. اما بعد کمك دولت را بطور مستقیم احساس کردیم و باین نتیجه رسیدیم که تا کمك دولت ایران از طریق مذاکره با دولت هند، بصورت جدی‌تری صورت نگیرد، بخش خصوصی به تنهائی قادر نیست از عهده ایجاد این بازار برآید، چون دلیل دیگری هم وجود داشت وآن‌وجود قوانین مستحکم و ضوابط صحیح در سینمای هندبرای تقویت سینمای ملی آنهاست و لازمه این قوانین، یاری و مساعدت دولت ایران‌بود.

دلیل دیگر سکوت آریانا فیلم و من بخاطر ضرری بود که من بخاطر منافع چند تاآدم‌خارجی متحمل شدم، یعنی اگر دولت به صنعت سینما هم مثل سایر صنایع

وام میداد، من برسرفیلم مشترك ایران و هند ضرر نمیکردم و چنین وضعی برایم پیش نمی‌آمد.

این وسط دلال‌هائی هستندکه در هردوکشور خون‌آدم‌ها را می‌مکند و نیروها را استثمار می‌کنند. **ازسینمای هند سرمایه‌گزارانی** در

ایران هستند که سالها حاکم بوده وکارشان جز شارلاتانیسم چیز دیگری نبوده و من نمیدانم چطور تا بحال دولت نتوانسته به وجود آنها پی‌ببرد و از فعالیتشان جلوگیری کند.

مشکلات من در طول یکسال اخیر در امر فیلمسازی، بعلت درگیری بود که با همین‌دلال‌ها داشتم واگر دست این دلال‌ها باز میشد، در نتیجه بازار وسیع سینمای هند صددرصد در دست سینمای ایران بود، منتها همیشه این دلال‌ها جلوگیری می‌کنند واز بازشدن بازار سینمای هند هراس دارند، چون نمیخواهند بطور مستقیم بهره‌برداری کنند. این وضع هم درآن کشور و هم دراین جا وجود دارد و نفوذ پیداکرده وغیرمستقیم باعث ضرر به سینمای هردو کشور میگردد.

ـ آیا «همای سعادت» ازنظر شما فیلم موفقی بود و اصولا فیلم توانیم سینمای خود را با سینمای اروپا مقایسه کنیم، حالا بگذر که چند فیلم مثل گاو، رهائی در جشنواره‌های مختلف موفقیت‌حاصل میکند، ولی بطور اعم سینمای ما سینمائی نیست که از نظربازار باآنها رقابت کند. پس ما باید باسینمائی شروع به ساختن آثار مشترك بکنیم که سینمای‌شان هم سطح سینمای ما باشد. ماباتلفیق وشرکت دادن دو هنرپیشه از دو کشور مثل فردین‌از ایران‌و وحیده رحمان از هند استفاده‌های مشترك می‌کنیم یعنی از محبوبیت فردین در ایران استفاده و او را درهند معرفی می‌کنیم واز محبوبیت وحیده رحمان در هند استفاده و او را در ایران معرفی می‌نمائیم و تازه ازنظر تجارتی هم کمتر بازیان مواجه خواهیم شد، برای آنکه از «المان»ها و عناصر تجارتی بهره‌برداری می‌کنیم.

قرار است همای سعادت پس از دوبله در هندوستان به نمایش خواهد شد و ماخواهیم بتوانست پروژه‌های دیگری را که داریم به مرحله عمل دربیاوریم.

ـ حالا که کمك دولت‌بقول شما در مرحله اجرا بایگانی‌میشود، پس چه باید کرد که عملا دولت فیلم ایرانی را هم مثل سایر مصنوعات چون‌یخچال، اتوبوس... (مثل مناقصه اتوبوس در کویت که دولت ایران برنده شد) مورد حمایت قرار دهد؟ بنظر ما حالا بایدفیلمسازان‌بافقط ساختن‌فیلمهای خوبی چون رگبار و امثال آن خودشان را به‌دولت تحمیل کنند...

● **تاکنون دولت‌ها درمورد صنعت سینما فقط‌حرف زده‌اندویس** و باکادر وزارت فرهنگ هنر هم صحبت کردن زیاد فایده ندارد. شخص جناب‌پهلبد واقعاهنروهنرمند را دوست دارند. وزارت فرهنگ وهنر هم جزئی از دولت است. دولت باید از این وزارت‌خانه بخواهد که درمورد سینمامطالعه کند و گزارش بدهد.

عایدمان نشد.

سکوت را می‌شکند

گفتگو از : جمشید ارمیان

مشترك ساختن با هندی‌ها بدین صورت عاقلانه و نتیجه بخش‌است؟

● این فیلم بطور کلی در کیفیت فکری من که ایجاد یك بازار وسیع برای تقویت بنیه مالی ایران بود، موفق بودبرای آن که سینمای هند بطور مشابه‌ای از سینمای پاکستان و کشورهای دیگر خاورمیانه جلوتر است. ما فیلم راکه آنجا نشان هندی‌ها دادیم مورد تعجب آنها واقع شد، زیرا فکر نمیکردند که چنین هنرمندانی در ایران باشند. ما خیلی به آسانی می‌توانیم دربازار‌های آنها رخنه کنیم، ولی‌بشرطی که این دلال‌ها کاملا ازاین وسط کنار بروند و ثانیا دولت ایران راسا وارد مذاکره با دولت هند شود و همین‌طور که فیلم هندی بامصری در ایران به نمایش در می‌آید، دولت هم‌کاری بکند که فیلم ایرانی در شهرهای هند به نمایش دربیاید.

در قسمت دوم سئوال‌تان‌باید بگویم که ساختن فیلم مشترك با هندی‌ها نتیجه دارد. ما که نمی‌

دربیاید. تهیه این فیلم صرفابرای تقویت بنیه مالی سینمای ایران بوده و پس ازاین فیلم، راه باز

طی یکسال اخیر من بارها در جلسات مختلف شرکت کردم، حرفهای زیادی زدیم امانتیجه‌ای



● همای سعادت را باهمکاری سینماگران هندوستان ساختم «شاوبز باتفاق کارگردان و هنرپیشگان فیلم همای سعادت»

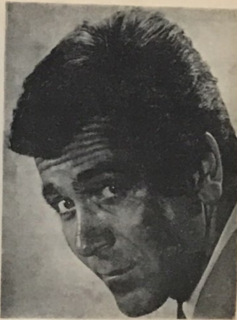
جشنواره و هنرمندان ایرانی!

ـ ممکن است نظرتان را در مورد جشنواره بین‌المللی تهران بگوئید؟

● بطور کلی ایجاد هر جشنواره‌ای در کشورهائی که صنعت سینمایشان ضعیف است مفید می‌باشد. حال میخواهد چه از طریق بخش خصوصی و چه دولتی باشد و جشنواره اخیر هم برای شناساندن هنر و هنرمند و صنعت سینمای درحال رشد ما خیلی مفید بود بخصوص از نظر اقتصادی. درجشنواره بین‌المللی تهران کادر طراح وظیفه‌شان را خوب انجام دادند ولی کادر اجرائی خیلی ضعیف بودند، بهمین جهت در جامعه هنری کشورما ناراحتی‌هائی ایجاد کرد. ایجاد جشنواره صرفا یك واقعه هنری است نه تجاری ویا حتی کنگره پزشکی هم نیست و جامعه هنرمند کشور ما محق‌ترین آدم هائی بودند که باید در تمامی این مراسم شرکت داده میشدند و متاسفانه کادر اجرائی جشنواره‌این مطلب رانه‌تنها رعایت نکرد بلکه بابی‌توجهی خود هم یك مقدار بی‌احترامی و توهین به جامعه هنری ایران روا داشتند که واقعا زشت بود.

ـ راستی‌چرا غیر از «رگبار»

بقیه در صفحه ۳۸



کامی کسروی

دریک سریال ایتالیائی

● «کامی کسروی» سالهاست که در سینمای ایران فعالیت دارد وبخاطر تیپ جالبی که در ایفای نقشهای مثبت دارد همیشه مورد توجه بوده‌است. بعد از شرکت در فیلم «مومیائی» که در واقع نقش مثبت آنرا بعهده داشت مورد توجه سایر کارگردانها و تهیه ـ کنندگان قرار گرفت بطوریکه ظرف مدت بسیار کوتاهی در بیش ازهشت فیلم مختلف شرکت نمود. امید کسروی به فیلم «خانه کنار دریا» ساخته هوشنگ کاووسی بود. درخشش وی درآن فیلم کاملابچشم میخورد ولی نمایش آن کمی به تعویق افتاد.

از سری‌فیلمهای کامی‌کسروی میتوان زندگی وارونه، ضربت شصت، مرد ونامرد، مزد خونین، جدائی، خوشگل خوشگلها، وشوهر پاستوریزه رانام‌برد. کامی کسروی در این اواخرسینما را کنارگذارده بود وشاید علت آنرا بتوان خستگی بیش از حد وی دانست ولی‌وی که همیشه به فعالیت در سینما عشق میورزد باردیگر به پیشنهادی که باو شد در فیلم «قایق ـ رانان» شرکت نمود و فعالیت خودش را ازسرگرفت.

در سال ۱۳۴۹ کامی کسروی مورد توجه یکی از تهیه‌کنندگان ایتالیائی قرارگرفت و از اودعوت کرد تابرای **شرکت در یك وسترن** ایتالیائی عازم رم شود اما گرفتاری بیش از حد وی مانع از این کار شد تااینکه درسال گذشته عازم ایتالیا **گردید**.

از جمله‌فیلمهای کامی‌کسروی در ایتالیا، یك سریال تلویزیونی است که «آلکس آقابابیان» که خود ایرانی است ودر ایتالیا بسر‌ میبرد آنرا برای تلویزیون‌ایتالیا کارگردانی میکند. هنگام تهیه این فیلم در یك مجلس معارفه که بافتخار هنرپیشگان فیلم در رم برگذار گردید یك کارگردان ایتالیائی از او خواست که درفیلم آینده‌اش که یك درام عشقی است شرکت نماید و باید در انتظار آن بود که وی درمقابل هنرپیشگان ایتالیائی تاچه حد موفق خواهد بود.

کامی کسروی‌یکبار نیزبرای شرکت در یك فیلم ترکی بآن کشور مسافرت کرد ولی علیرغم آنکه این فیلم برایش چندان‌جالب نبود کارش بسیار مورد توجه تهیه کنندگان ترك قرار گرفت. خود وی دراین مورد میگوید:

به جرات میتوان گفت که صنعت سینمای کشور ما بمراتب پیشرفته‌تر از کشور ترکیه میباشد. آنها بایك بلاتکلیفی عجیبی‌روبرو هستند و خود نمیدانند چه نوع فیلمهائی را تهیه‌کنند. اما کشورما آنقدر از نظر سوژه غنی است که هرگز نمیتوان فیلمهای ایرانی را باآثار ترکی مقایسه نمود. امابابد اذعان کنم. که آنها هنگام کار از یك صمیمیت همه‌جانبه‌برخوردار هستند.

● **تصمیم دارید باز در محصولات آنها شرکت کنید؟**

ـ هنوز معلوم نیست‌پیشنهاداتی دارم، ولی ترجیح میدهم بیشتر درایران فعالیت کنم، و احتمال دارد بعد ازبازی در یکی دو فیلم دیگر، درایران که بمن پیشنهاد شده‌است برای‌مدت کوتاهی بترکیه بروم.

● **چه وقت بایتالیا خواهید رفت؟**

ـ درانتظار دریافت تلگرافی هستم که قرار است ظرف یکی،دو ماه آینده معلوم شود.

● **در ایران مشغول بازی‌در چه فیلمهائی هستید؟**

ـ **فعلا** با پوری‌بنائی درفیلم «قایقرانان»همبازی‌هستم. ونام‌فیلم بعدیم هنوز معلوم نشده‌است.

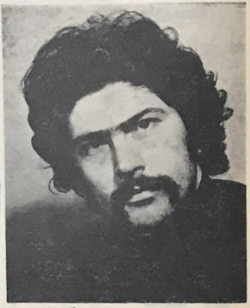


کامی کسروی‌باتفاق «کلود للوش»فیلمساز فرانسوی و دکتر هوشنك کاووسی درنخستین‌جشنوارهٔسینمائی تهران.

اشکها و لبخندها

«برگی از دفتر خاطرات هنرمندان»

از : شاپور منصف



مختار :

● ساعت شش صبح بیدار شدم ، صدای رودخانه مرا به‌حیاط کشید ، نسیم صبح و هوای نیمه روشن خستگی کار شدید دیشب را از خاطرم برد . فرچه و تیغ و حوله و آب و آئینه و صابون را برداشته و آمدم کنار هره دیوار . توی آئینه که نگاه کردم دلم‌برای خودم سوخت ، ولی اشتیاق ساعتی بعد که می‌بایست در مقابل دوربین باشم ، خطوط خسته را از صورتم محو کرد و تیغ ملایم آفتاب تنم را گرم نمود . تکانی به خود دادم و روی سنگ فرش حیاط ، زیر ذرات نور و با موسیقی آب ، چپ و راست ، بالا و پائین به‌نیروی ورزش ، دو باره خون در رگهایم جاری شد .

داخل اتوبوس ، کنار «داود» بخارج شهرکه میرفتیم ، دلم از چیزی پر بود و یك کبودی‌سمج روی قلبم احساس می‌کردم که آزارم میداد .

بهر حال بروبچه‌ها روی صندلی‌ها ، سرحال وزنده بایکدیگر شوخی میکردند و «داود» نیز با «علامه‌زاده» از سکانس مشکل‌امروز صحبت میکرد ، و ضمنا کارگرها کم‌کم خودشان را برای دشوارترین کاری که باید در «فدائی» بکنند آماده می‌ساختند . ناگفته نماند که امروز کار فیلمبرداری فیلم تمام می‌شود و بعد از ظهر ، همه عازم تهران خواهیم گردید ، و در حالیکه بیست روز زندگی درشهری کوچك چون «شوشتر» باآن روز‌های گرم و شبهای سرد و کاری طاقت‌فرسا ، تاب و توان چندانی برای اکیپ باقی نگذاشته بود ، ولی امروز اکثریت طور دیگری هستند ، همه شاد ، همه خوشحال و همه سرزنده‌تر از گذشته و در انتظار پایان کاری که از آن چند ساعتی بیشتر باقی نمانده بود، ولی من ...

در هرصورت دور از جاده، کنار قبرستان شهر و در فضائی باز و بیابانی خشك ، اتوبوس «بدفورد» قدیمی ، نگاهم‌را دزدیده و مرا به تفکر بیشتر واداشته بود و نمیدانستم چرا ...

خلاصه فیلمبردار اکیپ « محاوری » ، باتفاق دستیار و همکارانش دوربین را در زاویه انتخابی «علامه‌زاده» کار گذاشته و



در انتظار شروع فیلمبرداری‌گشت، و دراین هنگام بودکه «علامه‌زاده» صحنه را برای من و «داود» که باید جلوی دوربین بازی کنیم توضیح داد :

ــ این‌پایان‌کار است، «مسلم» (که کارکتر من است) بطریقی‌که دیروز گرفتیم ، «کریم» (داود رشیدی) را با اتوبوس قراضه «بدفورد» باینجا آورده است وحالا آنها شوخی مرگبار خودشان را شروع می‌کنند ، باین ترتیب که « مسلم » پشت فرمان اتوبوس نشسته و «کریم» تنها و بی‌پناه در این بیابان ، از او می‌گریزد و «مسلم» با اتوبوس تعقیبش می‌کند و بدینگونه این باصطلاح شوخی هرلحظه سخت‌ترمی‌شود وبه‌مرزهای خشونت وحتی مرگ نزدیك‌میگردد، و بالاخره «مسلم» با استفاده از اتوبوس ، به زخمی کردن«کریم» پرداخته و هربار زخمی تازه و هجومی تازه از جانب اتوبوس ، «کریم» را در مانده‌تر کرده تا اینکه او روی زمین ، خونین و ناتوان بی‌حرکت می‌ماند وآنوقت «مسلم» ...

گوئی صدای «علامه‌زاده» در گوشم طنین سیاه و سنگینی داشت، و دلم گواهی روشنی نمیداد ...

و حالا من پشت فرمان بودم و «داود» بی‌پناه در بیابانی که دور تادورش هیچکس نیست، و در این هنگام در حقیقت خون «مسلم» در رگهای من می‌جوشید و خاطره های سیاه روز های‌گرفته زندگی این مرد ، همچون‌نوارهائی از صدا گوشم را پر میکرد ... رو آوردن «پری» عشق دیرینه«مسلم» به جانب «کریم» ، و بی‌اعتنائی اخیر کریم ، مردی که مردی را از او آموخته بودم ، و خلاصه همه زیر وبم‌های زندگانی « مسلم » که تنهائی مطلق در آمیخته بود ، جلوی چشمم مجسم شد و دیگر این مختار نبود که اتوبوس را میراند، بلکه « مسلم » بود که فکر هائی نیز در سر میپروراند .

پدال گاز را بدون اراده فشردم و « بدفورد » بدنبال «کریم» افتاد و «کریم» میگریخت و من با اتوبوس به او حمله میبردم و در حالیکه از کنارش می‌گذشتم و به او میزدم ، زمین میخورد و پا می‌شد و همچنان می‌خندید و قلبم را پاره میکرد و منهم هیچ نمیدانم چرا آنطور « معصومانه » و در حالیکه قلبم را پر از سیاهی احساس میکردم ، باصدای بلندزدم زیر خنده ، و خلاصه با اتوبوس آمدم و رفتم ، زدم و ایستادم ،

بقیه درصفحه ۴۲

فیلم تازه‌ای از «داود ملاپور» سازنده‌ی فیلم جنجال‌برانگیز شوهر آهوخانم



جدال در کویر

● تحولی که از چهار قبل باپیدایش چند کارگردان جوان در سینمای ایران پدید آمد یکباره فیلمهای ایرانی را از فرم یکنواخت و کلیشه‌ای رایج خودبیرون آورد و سینمای جوان ایران بوسیله‌این فیلمسازان متعهد بکلی دگرگون و مورد توجه قرار گرفت.

یکی از این فیلمسازان جوان که با اولین فیلمش توانست جای مستحکمی در میان فیلمسازان صاحب نام باز نماید «داود ملاپور» است که با «شوهر آهو خانم» خودش را معرفی کرد. این فیلم توانست در اولین جشنواره فیلمهای‌ایرانی جایزه سوم را از آن خود نماید بهمین جهت ماهها این فیلم مورد بحث وگفتگوی مطبوعات قرار گرفت.

شوهر آهو خانم با آنکه از نظر تکنیک ضعیف میبود ولی بخاطرپرداخت خوب صحنه‌هایش توانست بعنوان یك‌فیلم خوب ایرانی — قابل قبول منتقدین و نویسندگان سینمائی قرار گیرد و همواره از آن بخوبی یاد نمایند.

بعد از شوهر آهو خانم ملاپور دو فیلم دیگر ساخت «باباکوهی» که‌اقتباسی بود از کتابی بهمین نام نوشته مطیع‌الدوله حجازی و «شب اعدام» که یك فیلم‌جنائی و پلیسی بود ولی در هیچکدام از این دوفیلم ملاپورمانندفیلم‌اولش‌موفق نبود‌بهمین خاطر چون سرمایه‌ای را که بازحمت زیاد از راه ساختن فیلم شوهر آهو خانم بدست آورده بود در خطر میدید مصمم‌شد دعوت تهیه کنندگان دیگر را برای ساختن فیلم پذیرا شود و در یك فرصت مناسب دیگر اقدام بساختن فیلم تازه‌ای بنماید.

روی این اصل بلافاصله دعوت «غلامرضا سرکوب» هنرپیشه پرکار فیلمهای ایرانی که در ضمن از دوستان صمیم خودش میباشد برای کارگردانی فیلم «جدال در کویر» پذیرا شد و همراه اکیپ بازیگر و کادر فنی برای شروع کار به نواحی قم و کاشان که دارای کویر و دشتهای پهناوری است و برای کار او قابل بهره‌برداری بنظر نمود.

جدال در کویر دارای یك قصه‌ی گرم کننده و دلچسب است که صحنه‌های آن آکنده از حوادث شیرین و دلهره آور میباشد سناریو را ملاپور با استفاده از سوژه‌ای که سرکوب به او داده بود کامل و نوشته است و بخاطر تیپ خشن سرکوب سعی نموده تاحدامکان‌ازصحنه‌های قهرمانی و اکشن در آن استفاده شود.

با آنکه هدف از اول ساختن یك فیلم تجارتی بوده ولی چون اصولاًملاپور با اندیشه و فکر کار میکند توانسته در قالب یك فیلم تجارتی از لحظات خوب سینمائی نیز استفاده نماید و جدال‌درکویر را در شمار فیلمهای حساب شده درآورد.

در این فیلم از وجود غولهای‌تضمین شده فیلمهای ایرانی استفاده نشده ولی بخاطر گرمی سوژه و پرداخت خوب آن





امید میرود در ردیف فیلمهای موفق قرار گیرد .

نقش اصلی فیلم را خود «سرکوب» که تا کنون او را همواره در نقشهای دوم فیلم میدیدیم بازی نموده و رل مقابلش را لی‌لی ستاره سکسی و طناز بازی کرده‌است هنرپیشگان عمده دیگر فیلم عبارتند از آراسته ، مجید شهباز ، نریمان ، هوشنگ قربانی ، مرتضی حدیقی و حسن رضائی و فیلمبرداری آنرا «علی صادقی» فیلمبردار جوان و مستعد که قبلا از او فیلم«زیبای جیب‌بر» را دیده‌ایم انجام داده است .

در طول تهیه این فیلم که دارای صحنه های خطرناك قهرمانی است بارها جان هنرپیشگان و سازندگان آن به خطر افتاد و حتی یکبار کم مانده بود که زهر یك مار خطرناك لی‌لی را بکام مرگ‌بکشاند همچنین هنگام فیلمبرداری صحنه‌ای دیگر ازفیلم در روی یك کوه «ذوالفقاری» عکاس فیلم از بالای کوه به پائین پرت شد و پایش بسختی آسیب دید بطوریکه چد ماه درگچ وقادر بکارنبود .

سرکوب با تجربه‌ای که در طول زندگی هنری خود بدست آورده بودسوژه «جدال در کویر» را روی تیپ خود فکر کرده بود بهمین جهت نیز ملاپور آنرا طوری پیاده نمود تا کاملا باتیپ‌وکاراکتر او وفق دهد .

با افزایش هزینه سرسام آور تهیه فیلم که امروزه سازندگان فیلمهای‌ایرانی را احاطه کرده است ساختن فیلم بدون هنرپیشگان تضمین شده کاری است خطرناك و در واقع سازندگان این نوع فیلمها باسرمایه خود ریسك مینمایند زیرا هیچ نمیتوان پیش‌بینی نمودکه این نوع فیلمها بتوانند سرمایه‌ی اولیه خودرا هم برگردانند واین فقط درصورتیستکه خود فیلم بتواند موردتوجه واقبال تماشاگرواقع شود ودر قلب آنها رسوخ پیدا نماید .

روزیکه «سرکوب» دست بکار تهیه فیلم «جدال در کویر» زد بخوبی می‌دانست که دارد «ریسك» مینماید بهمین جهت با تمام قدرت خودش و دوستان همکارش در ارائه‌ی رلهای خطرناك خود کوشیدند و وقتی فیلم حاضر گردید وآن را تماشا کردند نفس براحتی کشیدندزیرا توانسته بودند آن بهره‌ای که انتظارآن را داشتند از کار خود بگیرند ... و حالا سرکوب‌منتظرنتیجه زحمات‌خودوهمکارانش است زیرا اگر مردم روی زحمات او و دیگر همکارانش صحه بگذارند او راهی را که آغاز نموده ادامه خواهد داد و دست بکار تهیه فیلمی که سالهاست آرزوی تهیه‌ی آنرا دارد خواهد شد .

بقیه در صفحه ۴۳

گزارش مخصوص نماینده فیلم وهنر در همدان از پشت صحنه یك فیلم

عطش

گزارش از : ناصر احمدی

● در اثر یك اشتباه (کتایون) دست و پابسته در میان شعله های آتش ماند!!



● اکیپ سازندگان فیلم‌دریك استراحت کوتاه با نماینده مجله

● ورود یك اکیپ فیلم‌ـ برداری به همدان باعث شد که بلافاصله باهتل محل اقامتشان تماس بگیرم. متاسفانه گروه فیلمبرداری هتل را ترك کرده بودند. روزبعد بار دیگر تماس گرفتم. خوشبختانه ایرج قادری بود. از پشت تلفن خودم را معرفی کردم و بعد از خوش و بش از او خواستم تا در مورد این فیلم توضیحاتی بدهد قادری از من خواست تابه‌هتل محل اقامتشان بروم.

هنگامیکه به سالن هتل رفتم، قادری را در گوشه‌ای از سالن دیدم. خودم رامجددا معرفی کردم. در برخورد اول بیش از هرچیز چهره خسته قادری جلب نظرم را کرد. از اینکه بدیدنش رفته بودم خوشحال بود. ازمن‌خواست تابرای گفتگو باطاق مخصوص خودش‌بروم درآنجا کتایون هنرپیشه، کمال مطیعی، فیلمبردار نیز بودند قادری مرا به آنها معرفی کرد. در این موقع شیراندامی هنرپیشه دیگر فیلم نیز بما پیوست قادری باکمال مطیعی شروع به صحبت میکندموقع را غنیمت شمرده از مدیر تهیه فیلم «نوراهانی» میخواهم که اطلاعاتی درمورد فیلم دراختیارم بگذارد:

اسم فیلم «عطش» میباشد که از محصولات استودیو تخت‌جمشید است وجمشید شیبانی تهیه کننده آن میباشد. این فیلم را ایرج‌قادری کارگردانی و کمال مطیعی فیلم‌ـ برداری میکند ودر آن قادری ـ کتایون ـ شیراندامی ـ کهنموئی فروهر، فرزین و شکری شرکت دارند و در ضمن سناریوی آن را نیز ایرج قادری وداود نژادباتفاق نوشته‌اند.

تقریبا نیمساعت بعد عکاس مخصوص مجله بما پیوست و عازم محل فیلمبرداری بخارج از شهر شدیم جاده خراب و تقریبا حرکت مشکل بود. بازحمت بسیار به محل فیلمبرداری رسیدیم. ساعت ۱۰ شب و هوا کاملا سرد است کارگردان فنی مشغول‌نصب پروژکتورها هستند تمام وسائل آماده میشود دوربین که‌قرار است تراولینگ کند آماده میشود. قادری پس از میزان‌کردن دوربین آنرا تحویل مطیعی می‌ـ دهد. مطیعی نیز کادر تعیین شده را نگاه کرده و تراولینگ را چند بار امتحان میکنداو درکارش‌جدی ودقیق است‌وسعی‌می‌کند‌کارش‌خوب ازآب درآید. درموردقادری هرچه بگوئیم کم است چون او درکارش کاملا وارد و دقیق است. خود را روی تختی که‌در کنار اطاق‌قرار دارد جابجا می‌کند. کتایون و مطیعی در کنارش دیده میشوند و از این مدت کوتاه استفاده کرده از او میخواهم تا در مورد این‌سکانس از فیلم توضیحی بدهد.

صحنه امشب مربوط میشودبه آتش زدن خانه یك زن روسپی که کتایون نقش آنرا بازی میکند. او در دهکده‌ای دور افتاده زندگی می کند وهمین انحراف او باعث‌میشود که اهالی ده درصدد برآیند تا بهر نحوی شده آنرا از ده بیرون‌کنند زیرا وجود او برای اهالی ده شوم وباعث بی‌برکتی است. عده‌ای از اهالی ده بخانه او میآیند و اورا بسته واز آتشی که خود در اجاق روشن کرده است استفاده میکنند و خانه اورا بآتش میکشند و در ده شایع میشود که او را از ده بیرون کرده‌اند. زن در آتش‌باقی میماند ولی ما دیگر اورا نمی‌بینیم، در چند سکانس بعد بار دیگر بااو روبرو میشویم که از خطر جان سالم بدر برده است. این قسمتی است که قراراست امشب فیلمبرداری شود.

قادری باردیگر خودرا آماده میکند. پلان یك از سکانس ۹ شروع می‌شود. صحنه‌ایست که کتایون باید اجاق را روشن کند. کلید زده میشود ولی کبریت روشن نمیشود. این صحنه چندبار تکرار میشود و فیلمبرداری بپایان میرسد پلان ۲ از سکانس ۹ آغاز میگردد قادری برای آخرین بار نکات‌لازمه را بهمه میگوید. دقت بیش ازحد ایرج قادری باعث میشود که کارها براحتی پیش برود. کمال مطیعی نور صحنه را تنظیم می‌کند ودستور روشن کردن پروژکتورها را می‌ـ دهد. قادری بازیگران را از داخل دوربین می‌بیند و محل ایستادن یکایك آنهارا تعیین می‌کند، همه چیز آماده است و قادری باردیگر حرکات یك‌یك آنها را متذکر می

شود تمرین شروع میشود. ولی نظر کارگردان را تامین نمیکند این تمرین دوباره تکرار شده وبرای آخرین بار قادری صحنه‌ای را که قرار است اهالی دهکده برای‌بیرون کردن زن روسپی بیایند نگاه می‌کند وبعد دستور فیلمبرداری می‌دهد. دیالوگ‌ها برای کتایون تکرار وخوانده شده و فیلمبرداری با موفقیت بپایان میرسد.

پس از یك استراحت کوتاه بار دیگر همه خودشان را برای صحنه بعدی آماده میکنند این‌بار نوبت فرزین، شکری واسکوئی‌است. قادری توضیحات لازم را باآنها می دهد از این موقعیت استفاده کرده از سلحشور که در واقع آسیستان کارگردان فیلم میباشد میخواهم که درباره هرپیشگان فیلم ونقشهایشان برایم صحبت کند. اومیگوید ایرج قادری در نقش کاظم (شیراندامی) در نقش حیدر (کتایون) در نقش (زن روسپی) و (کهنموئی) بنقش متولی امامزاده و پدر کاظم ظاهر میشوند.

عکاسمان احساس خستگی می کند، من نیز تصمیم میگیرم باتفاق او راهی شهر شوم. روز بعد بار دیگر بسراغ قادری میروم او ناراحت است، گوئی خستگی شب گذشته همچنان در او باقی مانده است علت را از او جویا میشوم میگوید:

«دیشب قراربود اهالی دهکده خانه زن روسپی را آتش بزنند، یك غفلت کوچك «فرزین» باعث شد که اطاقی را که بازحمات زیاد ساخته بودیم از موعد مقرر زودتر آتش بگیرد. کتایون بادست وپای بسته در آتش ماند وخوشبختانه با زحمات زیاد موفق شدیم آتش را خاموش کنیم واو را از این مهلکه نجات دهیم و امروز نیز بعلت بارانی بودن نمیتوانیم فیلمبرداری کنیم شاید امشب بار دیگر کارمان را شروع کنیم.»

در هوای سرد که واقعا برایمان طاقت‌فرساست باردیگر سر صحنه حاضر میشویم. ساعت ۱۰ است‌سرما باعث شده که کارها کندتر پیش برود. قادری حرکات شیراندامی را باو متذکر میشود وتمرین این صحنه چندین‌بار تکرار میشود در این موقع من بفکر قهرمانان پشت صحنه می‌افتم هنرمندانی کهما آنها را نمی‌بینیم. ماهمه قهرمان‌پرستیم آنهم فقط قهرمانان روی پرده. فقط چشممان باید ببیند و یا گوشمان باید بشنود چون فقط از راه چشم وگوش بادنیا مربوطیم، نه عقل‌و منطق واستدلال. ماحتی برای‌سیاهی لشگرها احترام قائلیم اما هرگز در صدد نبوده‌ایم که بدانیم یك درام یایك کمدی، یك تراژدی را کدام ذهن خلاق و هنرمند بوجود آورده وکدام ذوق سرشار آنرا تهیه و کارگردانی کرده است. اینها بما مربوط نیست. فقط کسی را می‌شناسیم که جلو چشممان است و صدایش را می‌شنویم و دراینجاست که باید بگویم حق قهرمان پشت پرده پایمال میشود. قهرمانانی‌چون سناریست، دکوراتور، گریمور، آهنگساز، تهیه کننده وفیلمبردار وکارگردان وحتی کار یك عکاس بمراتب میتواند بااهمیت‌تر از کار دیگران باشد. اما افسوس ما فقط دلمان رابقهرمانان روی پرده‌خوش کرده‌ایم و زحمات سایرین را فراموش کرده‌ایم. من این‌را دراین چند روزه بخوبی دریافتم.

همدان ــ ناصر احمدی
نماینده فیلم‌وهنر



● همه‌چیز آماده است‌قادری (کارگردان) آخرین دستورات را میدهد. کمال مطیعی (فیلمبردار) باتفاق آسیستانش در کنار قادری دیده میشوند.



● نماینده فیلم و هنر گفتگوهای ایرج قادری، کتایون وکمال مطیعی (فیلمبردار) را یادداشت می‌کند.



نقدو منتقد در ایران

از: ایرج صابری

«٦»

● ... وبطور کلی درحدود بیست سال است که «ناظریان» علاوه بر «نقد فیلم» در زمینه تاتر، نقاشی، موسیقی، داستان، خاطره نویسی، مسایل سیاسی قلم زده است.

— ... وترجمه — ترجمه‌های خوبی که خودم آنها را می‌پسندم مربوط است به نوشته‌های «سامرست موام» که در بامشاد چاپ شده است...

... قبل ازدیدن مدرسه‌سیراکیوز چون از تکنیک سینما اطلاع نداشتم بیشتر اسیر حوادث فیلم میشدم — مثل تماشاگری که به تکنیک آشنا نیست — و چه بهتر که آشنا نباشد زیرا بمجرد اینکه با تکنیک کار در هر زمینه‌ای چه‌سینما یا موسیقی و یاادبیات آشنا شدید قدرت لذت بردن را از لحاظ دیدن یا خواندن ویا شنیدن از دست میدهید وحالت و روحیه منتقدی آماتور را پیدا می‌کنید که مدام در حال سنگین و سبك نمودن لحظات بسر می‌برد که اگر اینجا اینطور میشد بهتر بود یانه؟ — واین، آن لذت واقعی را از آدم می‌گیرد — لذتی که برخلاف تصور بعضی‌ها خیلی هم شیرین و خوب است — منتها میزان آن بستگی دارد بفهم ودرك ما بطوری که اگر آدم درك و شعورش زیادتر باشد بهمان نسبت از يك فيلم هیچکاك یا بونوئل و یا کتابی از بالزاك لذت بیشتری می‌برد.

من فکر می‌کنم که تماشاگر — البته تماشاگر فهیم بیشتر از يك منتقد از فیلم لذت می‌برد.

یکی از بدبختیهای منتقد اینستکه نمیتواند کاملا دراختیار فیلم قرار بگیرد چون مدام باید متوجه و مواظب نکاتی باشد که خواهد نوشت. و در واقع او از لذتی که تماشاگر از فیلم می‌برد، محروم است و ناگفته نماند که تا آدمی عاشق هنری نباشد نمیتواند منتقد آن هنر گردد همانطوریکه نمیتواند در آن هنر آدمی خلاق شود.

● صفحه ۱۸

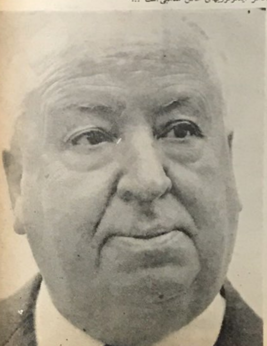
یکی از مهمترین شرایط نقد هنر، عاشق بودن منتقد است ... بررسی وبرداشت من از سینما درآن موقع باندازه تماشاگری بود که می‌کوشید باهر سینمابفهوم تکنیکی وتحقیقی آن آشنا شود و خود فیلم را درك نماید و همین تاثیرشدیدی در من می‌گذاشت بطوریکه سینماو فیلم درزندگی و نوشته‌های من منعکس میشد ... — بعد که وارد مدرسه سیراکیوز شدم و سینما را فرا گرفتم طبعا مسایل انتقادی پیش آمد ودید من از سینما مقداری انتقادی شد برای اینکه اوایل تحصیل من در سینما بود، نکته سنج و عیب‌جو شده بودم و این مانع از آن بود که از فیلم لذت ببرم، مدام مواظب تکنیك کاربودم و فقط تکنیك را میدیدم ... پس از مدتی که تکنیك را بیشتر شناختم، سعی کردم آنرا فراموش کنم و برگردم بهمان دوران‌اولیه — کمااینکه حالا که همه‌چیز فیلم برای من روشن است و میدانم که هر حادثه‌ای مثل قتل یا عشق در سینما تا چه‌اندازه قلابی است سخت تحت تاثیر فیلم قرار میگیرم و میدانیم که لذت بردن هم هنری است ... و یکی از امتیازات بزرك سینما نمایش واقعیتی است که وجود ندارد.

داستایوسکی می‌گوید: هیچ چیزی باندازه خود واقعیت‌خیال‌انگیز نیست. واین گفته در سینما واقعا صادق است — یعنی باتوجه باینکه میدانیم تمام اجراء والمانها قلابی استولی آنچنان واقعی‌جلوه می‌کنند که حتی کلی تخیل هم در ما برمی‌انگیزد.

استادان قدیمی سینما مثل «ژان رنوآر» و «رنه کلر» و «چارلی چاپلین» تئوری خاصی داشتند که اول باید به تمام تکنیك سینما آشنا شد و سپس همه آنهارا فراموش نمود و به تعبیری ضد قراردادها شد و همه آنها را از بین برد مثلا میدانیم که مراعات جهت در سینما امری است اضطراری و تغییر جهت فوری در تماشاچی ایجاد ابهام و گیجی می‌نماید ولی می‌بینیم که «چارلی چاپلین» در فیلم «لایم لایت» آنچنان بقصد جهت را تغییر میدهد که بیننده متوجه مسئله نمیشود چون چارلی میداند که از چه لحظات وزمانی باید استفاده کند تابراین تکنیك فایق شود ومی‌بینیم که اصولا

بقیه در صفحه ۳۹

... علت اینکه «کایه دوسینما»ئی‌ها اینهمه هیچکاك، هیچکاك می‌کنند بخاطر ایدئولوژیهای خاص مذهبی است ...



مجله دوم

فیلم و هنر

سال اول ـ شماره چهاردهم

سینمای ۷۲

تنظیم مطالب از : جمشید اکرمی



عروس ایده‌آل هر مرد!

● این زن، بریژیت باردو، زیبای هنوز افسونگر سینمای فرانسه احتمالا آن نوع زنی است که هر مردی آرزوی ازدواج باوی را در سر می‌پروراند وبخصوص وقتی که او بالباس عروسی دیده شود، آتش این آرزوی بعید، شعله‌ورتر از هر گاه می‌شود. تصویر که «ب.ب» را در لباس عروسی نشان می‌دهد، درواقع از صحنه‌ای از فیلم تازه او «بولوار رم» گرفته شده که وی در آن با «لینو وانتورا» همبازی است.

دراین فیلم کمدی، ب‌ب نقش یکی از ستارگان سرشناس دهه‌بیست رابازی می‌کند که‌عشق یک‌گانگستر رهبر باند پای او را بدنیای تبهکارانه عهد منع مشروبات الکلی در آمریکا می‌کشاند.

فیلم را «روبرانریکو» ساخته است که پیش از این، فیلم تحسین انگیز «ماجراجویان» (آلن‌دلون، لینووانتورا) را از وی دیده‌ایم.



ایرلند در فستیوال کان

● «تصویرها» ساخته تازه «رابرت‌آلتمن» به عنوان نخستین فیلم شرکت کننده از جانب ایرلند در فستیوال کان، هفته گذشته در آخرین دوره این فستیوال نمایش داده شد.

دو سال قبل، فیلم «مش» رابرت آلتمن توانست گرانپری فستیوال کان را ازآن خودسازد.

ترس، کلید است

● «باری‌نیوس» آکتور جوانی که بازی او را در فیلمهای «جوانی و جنون سرعت» و«وکیل مدافع» تحسین کردیم، به‌تازگی بازیگر نقش نخست یك «تریلر» به‌اسم «ترس، کلیداست» شده‌است. این فیلم را «مایکل تاچنر» براساس نوولی از «آلیسترمك‌لین» می‌سازد.

فیلم تازه شابرول

● ژان پل‌بلموندو ومیافارو بازیگران فیلم جدید کلودشابرول هستند. این فیلم «دکتر پاپول» نام دارد و احتمالا به «تله‌گرك» تغییر نام خواهد یافت.

«آنتونی کوئین» و «باری‌شیر»

● «باری‌شیر» کارگردان جوان و مستعد فیلمهای تلویزیونی، این بخت خوش را یافته است که «آنتونی‌کوئین» را در فیلمی کارگردانی کند. این فیلم، «در امتداد خیابان صدو دهم» نام دارد وسناریوی آنرا «لادردیوید» از روی نوولی از «والی‌فریز» نوشته است.

تعویض

● «ژاکلین بیزه» جای «شارلوت رامپلینك» را در فیلم «دزدی که برای شام آمده» گرفت. شارلوت رامپلینك به اینجهت کنار گذاشته شد که زمان زایمانش نزدیك شده و به ناچار بایستی استراحت می‌کرد. فیلم را «بادبورکین» کارگردانی می‌کند.

کرك‌داگلاس، دزد زرنگ!

● کرك داگلاس برای «کنتی ماریتازیکونا»، تهیه‌کننده ایتالیائی، در فیلمی به‌اسم «مردی برای احترام» که اینك در «رم» فیلمبرداری می‌شود، شرکت جسته است. داگلاس طی قراردادی حقوق توزیع این فیلمرا در آمریکا وکانادا ازآن خود کرده است.

داگلاس در این فیلم نقش یك سارق گردن کلفت را بازی می‌کند که نقشه دو سرقت رانواما طرح و بمرحله اجرا می‌گذارد. تصمیم زیرکانه او آنست که به ارتکاب یکی ازاین سرقتها اعتراف کند تا بتواند از سرقت دیگر منفعت کلانی بجیب زند!. نقش مقابل داگلاس را ستاره برزیلی‌الاصل ایتالیائی «فلوریندابالکان» بازی می‌کند. کارگردان فیلم «میشل‌لوپو» است و صحنه‌های خارجی فیلم در «رم» و «هامبورك» فیلم‌برداری می‌شود.

«مگی‌اسمیت» به جای «کاترین هیپورن»

● «کاترین هیپورن» به‌خاطر یك بیماری غیر منتظره، نتوانست خود را به موقع جهت شرکت در فیلم «سفر هائی با خاله‌ام» آماده سازد وتهیه‌کنندگان فیلم، مگی اسمیت را جایگزین او کردند. این فیلم را «جورج‌کیوکر» بر اساس نوولی از «گراهام گرین» در اسپانیا می‌سازد و سایر بازیگران آن عبارتند از: رابرت استفنز، آلك‌مك کاون و لوگاست.

کناره‌گیری

● زمانیکه «کریستوفر جونز» بازیگر جوان و تیپیك و خوش آتیه‌فیلمهای «نبردجاسوسان»، «جانی ولوئیزا» و «دختر رایان» برای نخستین بار ادعا کرد که از بازی در فیلمها کناره‌خواهدگرفت، تقریبا هیچکس حرف‌او راپذیرفت و همگان این را در حد یك‌جور ژست «جیمزدینی» پنداشتند، ولی کریس جوان که چه‌آینده‌درخشانی در انتظارش بود، انگار که واقعا از شرکت در فیلمها چشم‌پوشیده است چرا که ظرف دو سال اخیر علیرغم پیشنهاد های زیادی که به او شده در هیچ فیلمی ظاهر نشده و می‌گویند که او در یکی از کالجهای آمریکا به شغل‌معلمی پرداخته است!.

مربع کردن دایره!

● نورمن جوئیس کارگردان میانه سال آمریکائی که سال‌گذشته «توپول» و «لئوناروفری» را در فیلمی موسوم به «نوازنده ویولون بر روی بام» شرکت داد، اخیرا تصمیم گرفت که این دو را در فیلم تازه‌اش نیز بازی دهد. این فیلم نام عجیب «مربع کردن‌دایره» را برخور دارد.

* یك زوج جدید

کاترین دونوو و مارچلو ـ ماسترویانی یکی از تازه‌ترین و در عین حال دینامیك‌ترین و هیجان‌انگیزترین زوجهای سینمائی را تشکیل داده‌اند.

ایندو سال گذشته برای‌نخستین بار در فیلمی از «نادین مارکان‌ترنتینیان» موسوم به «این فقط برای دیگران اتفاق می‌افتد» ظاهر شدند و بلافاصله دعوت «مارکوفرماری» کارگردان جوان ومتفکر ایتالیائی را جهت شرکت در فیلم تازه‌او که یك سوژه «تراژدی روماتیك» دارد، پذیرفتند، این فیلم، «ماده سك» نام دارد و تصاویر مربوطه، مارچلو وکاترین رادرصحنه‌هائی ازآن نشان می‌دهد.





هفته گذشته «میکلوش یانچو» در آخرین دوره فستیوال کان، بخاطر کارگردانی این فیلم به‌عنوان بهترین کارگردان سال برگزیده شد.

سرود سرخ

آخرین ساخته‌ی «میکلوش یانچو» سازنده «سکوت و فریاد» در فستیوال کان



● صحنه‌ای از فیلم سرود سرخ

نقل از فیلم ریویو کنتی‌نانتال
ترجمه : جمشید ارمیان

● «میکلوش یانچو» را با فیلم «سکوت و فریاد» درفستیوال بین‌المللی فیلم‌تهران تحسین‌کردیم: فیلمی طوفنده و سخت نفس‌گیر که نماینده سینمای اصیل مجارستان بود و عجیب‌آنکه این فیلم‌همانقدر که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت ، بهمان اندازه هم مورد بی‌مهری هیئت داوران واقع شد!

بهرجهت این روزها این فیلمساز پرتوش و توان ، ساخته تازه‌ای از خود را به فستیوال‌مهم سینمائی «کان» عرضه داشته که «سرود سرخ» نام دارد :

این فیلم ادامه دهنده استیلی است که «یانچو» بافیلم «مقابله» آغاز کرد و بعد با فیلم « Agnus.dei » ادامه‌اش داد .

یانچو بجای یك خط داستانی باریك ، پیامش را با ترکیباتی از حرکت آشکار می‌کند ، صحنه‌هائی که آکنده از رقص و آوازست و تصادم میان گروه‌های مقابله‌گر را ازطریق خلق سیستم‌های سمبلیك مخصوص نشان میدهد که نمودی سوررئالیستی دارند .

در این‌فیلم او تیم همیشگی خود را مجددا باز یافته است : سناریست فیلم‌های‌قبلی او «گیولا ـ هرنادی» و مدیر فیلمبردارش «یانوس کنده» و تیم بازیگرانی که بافیلم‌های‌سابق شناخته شده‌اند. این‌بار ، متد سنتی بیان او، حرکت بی‌امان دوربین او غنی‌تر شده و با «کلوزآپ»ها تکمیل شده است.

زمینه ماجرا ، دشت وسیعی است که تا افق امتداد یافته، یك سرزمین نامشخص که در آن‌جمعی از کشاورزان که برای اولین‌بار بخاطر تامین حقوق خود دست به نبرد یازیده‌اند ، در گروه‌های متهمد زندگی می‌کنند و اوقات فراغت خود را به رقص و آواز خواندن می‌پردازند . آنها انتظار می‌کشند که پاسخ خواسته‌هایشان داده‌بشود .

حاکم ایالت سعی می‌کند با دادن کیسه‌های گندم بعنوان یك جور رشوه آنها را ساکت کند اما همه‌چیز بیهوده است ـ و پلیس‌هم که با اسلحه‌های تهدید کننده،آنها رامحاصره میکند ، در کوشش‌خود باعدم موفقیت مواجه میگردد .

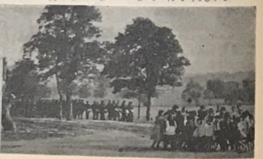
با علامت حاکم ، کیسه‌های گندم به‌آتش کشیده میشود.شعله ـ های آتش خیز میگیرد و حاکم درآتشی که خود افروخته ، می ـ سوزد . قوای نظامی ازراه میرسد وبه‌پسرك جوانی که تازه دانشکده افسری را بپایان رسانیده اسلحه‌ای رد میشود و باو میگویندکه‌به‌سوی جمعیت شلیك کند اما او امتناع می‌ورزد و همین باعث مرگش میشود . خشونت نمی‌تواند مانع عدالت بشود ، و قطره‌ای از خون یك دختر مجروح بصورت یك‌گل درمی‌آید و بوسه‌اش سرباز مرده‌را به‌زندگی برمیگرداند !

هنوز زمان کار برداسلحه‌های آتشین فرارسیده است . کارگرها که بخاطر احقاق حق‌خود می‌جنگند، به آنها روی می‌آورند. مالك سرزمین ، کنت مایل‌است به علائق ملی بایك اختیار میهن ـ پرستانه متوسل بشود و یکی از کارگران عبارتی از بیانیه انقلاب رابرای او ذکر می‌کند . مرك ناگهانی کنت ظاهرا نقطه پایان براین ستیزه میگذارد . کشیش‌که سعی دارد روح عصیان را براند بوسیله یك طناب بدار آویخته میشود وکلیسا درون شعله‌های‌آتش میسوزد ...

جشن و شادی آغاز میشود و کارگران به رقص و آوازخوانی می‌پردازند، تهدید اسلحه‌ها سخت‌تر میشود . آخرین فرصت داده می‌شود ، بعضی‌ها ازاین فرصت‌استفاده می‌کنند . اما قسمت اعظم‌کارگران مصممتر میشوند و سرنوشت خودرا پذیرا میگردند .

سربازهای بیگناه قاطی مردم میشوند و ناگهان دایره‌ای بدور آنها تشکیل میدهند ، گلوله ـ هایشان شلیك میشود و همه نقش برزمین میگردند . یکی از زنها ـ بعنوان فرشته انتقام ـ خارج از دایره قرار گرفته . او اسلحه‌بدست می‌گیرد و تمامی سربازها را بخاك وخون میکشد . تصویر این‌صحنه‌ها خاطره پیروزی آینده را بذهن متبادر می‌کند، این پیروزی که از شکست زائیده‌شده ، باخون‌بیگناهان رشد میکند وبصورت نهال باروری درمی‌آید ...





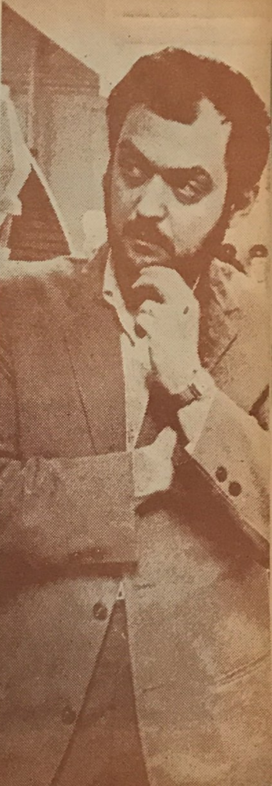
● پلیس‌بااسلحه‌های تهدیدکننده، آنها را محاصره میکند.

«دوصحنه از فیلم»

نقل از : Film Comment

ترجمه : جمشید اکرمی

مروری بر فیلمهای استانلی کوبریک



در تمام‌تاریخ سینمای‌آمریکا، تنها چند کارگردان توانسته‌اند در چارچوب نظام استودیوئی صنعت فیلم آمریکا با چنان خودکامگی و استقلالی کار کنند که استانلی کوبریك کار کرده است .

کوبریك با توپی پر از ۹ فیلم که هفده سال از عمر او را می‌پوشاند ، به عنوان یك‌فیلمساز با قدر و اهمیتی در سطح جهانی جریانی سکون‌ناپذیر از آوازه و اعتبار برای خود حاصل آورده است . او روی همه فیلمهایش‌بطور کامل کنترل آرتیستیك داشته است: از نخستین‌مراحل طرح‌ریزی‌داستان و نوشتن سناریو گرفته تا آخرین مرحله مونتاژ آن ، یعنی همان کاریکه مدتها در هالیوود تصور می‌شد تنها در حوزه اقتدار یك کارگردان خارجی در شرایط «فلینی» و یا «برگمن» است .

وقتیکه در لندن به ملاقاتش رفتم ، او تازه نوشتن سناریوی آخرین فیلمش «پرتقال کوکی»را براساس یك‌نوول «علمی ـ تخیلی» از «آنتونی بورگر» تمام کرده بود و سرگرم فراهم آوردن‌مقدمات فیلمبرداری آن بود .

در اکثر نقدهائی که تا این زمان برنوول «بورگر» نوشته شده، ازآن چنین یادشده است : «فانتزی کابوس گونه‌ای از انگلستان یك آینده خیالی که در آن‌تبهکاران، بعد از تاریکی ، حاکم برهمه‌چیز می‌شوند.»

یکی از این تبهکاران،آلکس است که کوبریك وی راکاراکتری همتیپ «ریچارد سوم» بازشناخته است : «پرتقال کوکی» اشاره‌ایست به کاراکتر آلکس، آدمی که‌گرچه ظاهری انسانی دارد ، اما ازآنجا که توسط دولت از انتخابها و امتیازات حقوقی و اخلاقی حقه خود محروم شده است ، اندك اندك حالت یك وسیله مکانیکی را یافته است .

کوبریك در پاسخ این سئوال که به نظر او چرا کمپانیهای‌بزرگ فیلمسازی برآن شده‌اند تاآزادیهای وسیعی در کار فیلمسازی به کارگردانهائی چون او بدهند ، گفت : «آسیب ناپذیری کمپانیهای بزرگ متکی براین واقعیت بود که هرفیلمی آنها می‌ساختند با موفقیت تجارتی روبرو می‌شد ، اماوقتیکه این فیلمها دیگر نتوانستند مثل‌سابق کار کنند ، آنها آغاز به‌ارجگزاری کار سینماگرانی کردند که می‌توانستند فیلم خوب بسازند .»

کوبریك یکی از کارگردانهائی‌بود

که تهیه‌کنندگان جستجوگر، کارش را تحویل گرفتند ، و این زمانی بود که او الفبای فیلمسازی را از جزئیات اولیه‌اش گرفته تامراحل بالا ، به خوبی فرا گرفته بود و آماده آن بود که تلفنهای دعوت تهیه کنندگان را با آسایش خیال پاسخ گوید .

کوبریك روز ۲٦ جولای سال ۱۹۲۸ در «برونکس» به دنیا آمد. زمانیکه هنوز محصل دبیرستان «تافت» بود ، عکسهائی به مجله معتبر «لوك» می‌فروخت . او پس از فارغ‌التحصیل شدن ، به جمع معلمین دبیرستان «تافت» پیوست. کوبریك سرانجام به ساختن فیلم دل بست و دو فیلم کوتاه مستند برای کمپانی ساخت :

«روز مبارزه»(۱۹۵۰) ، در باره بوکسوری به اسم «والتر کارتیه» و «راهب پرنده» در باره کشیشی در نیومکزیکو که سوار بر یك مادیان پرنده به بخش های متروك و دور افتاده تحت نظارتش پرواز کرد .

کوبریك پس از این قادربود که سرمایه‌گذاری روی ساختن دو فیلم کم خرج را بیمه کند . او می‌گوید که این دو فیلم بطور قاطعی کمك کردند به آنکه او اصول و جزئیات تکنیکی کارخود را به عنوان یك فیلمساز فراگیرد، و با این وصف ترجیح می‌دهد این دو فیلم را برای همیشه فراموش کند ! او هردوفیلم را تقریبا یکه و دست تنها ساخت . فیلمبردار ، خودش بود ، صدابرداری راخودش به انجام رساند و مونتاژ فیلم‌ها را به تنهائی انجام داد و این در شرایطی بود که او البته ماموریت کارگردانی آنها را هم داشت . فیلم اول، **«ترس وتمنا» (۱۹۵۳)** نام داشت که به ماجرای پاسداری بیهوده جمعی از گشتی‌های ارتش در خلال یك جنك بی‌نام‌می‌پرداخت . استقبال دو جانبه مردم و منتقدین از این فیلم ، برای‌خود کوبریك هم غیرمنتظره بود .

فیلم دوم او ، **«بوسه قاتل» (۱۹۵۵)** ، بازگشتی بود به عالم بوکس ، و باز گوینده داستان ناکامی تلخ بوکسوری بود که میخواست خود را از حاشیه‌زندگی در یك ناحیه فقیرنشین جدا سازد .

گرچه خودکوبریك دربـاره این دو فیلم اولیه‌اش چیزی‌می‌گوید ، اما لااقل در مورد فیلم اخیر، او باهرمعیاری ، توانسته بود زندگی و جوشش دلپذیری به قالب یك داستان بسیار معمولی تزریق کند ، بخصوص دو صحنه مبارزه در این فیلم یاد ماندنی است : یکی داخل رینك ودیگری در یك کارگاه مانکن‌ها درسکانس کلایماکس فیلم . کوبریك می‌ـ گوید :

«این فیلم نفع زیادی نصیب کمپانی یونایتد آرتیستز کرد ، گرچه آنها این فیلم را تقریبا با ضابطه‌های یك فیلم درجه دو پخش کردند.»

پس از این ، به سال ۱۹۵۵، کوبریك از طریق یك دوست‌مشترك با «جیمز هریس» تهیه کننده بلند پرواز ، آشنا شد و آنها باهم‌فیلم **«کشتار»** را ساختند . سناریوی ظریف و محکم کوبریك که براساس نوولی از «لیونل‌وایت» نوشته شد، ماجرای فراهم آوردن مقدمات‌یك سرقت را از جانب جمعی سارق تازه‌کار باز می‌گفت . کوبریك‌این سرقت را با پرداختن به تمام جزئیاتش ، علیرغم آنکه نقشه‌سرقت از نظر زمان به سرعت برق انجام می‌گرفت ، ضبط کرد (پرداخت کوبریك در این فیلم ، به سال ۱۹٦۹ توسط «گوردون فلمینك» در فیلمی با داستان مشابه ، تحت عنوان «شکاف» مورد تقلید قرار گرفت . اما این کار آنچنان‌سطحی صورت گرفت که آدم با دیدن «شکاف»کارکوبریك‌را در«کشتار» بیش از پیش ارج می‌گذاشت) . با اینهمه ارزش واقعی فیلم را باید در بازیهای درخشانی جست که کوبریك از جمعی از بازیگران مستعد نقشهای دوم گرفته بود ، بازیگرانی که کمتر گاهی فرصتی مناسب برای نشان دادن خود می‌یافتند . کوبریك خاطرنشان می‌کند : **«بودجه تهیه این فیلم بیش از بودجه فیلم های قبلی من بود ـ حدود سیصد و بیست هزار دلار . بنابراین ، این بار ما توانستیم آکتور های خوبی مثل استرلینك هایدن را به خدمت گیریم»** .

این بازیگران ، کوبریك‌را در خلق آتمسفر خشونت‌بار فیلم یاری بسیار دادند. کلایماکس فیلم نیز ، گرچه تا حدودی شوخ به‌نظر می‌رسید ، ولی اثری تلخ باخود داشت .

* در این صحنه ، چمدان‌استرلینك هایدن ، زمانیکه او در حال سوار شدن به هواپیماست ، باز می‌شود و اسکناسهای سرقت‌شده فضای‌طوفانی فرودگاه را می‌پوشانند .

«کشتار» نه تنهاسود سرشاری عاید سازندگانش ساخت ، بلکه‌سبب شد مجله «تایمز» مطلبی درباره کوبریك بنویسد که حالا از آن چون یك افسانه یاد می‌شود. «تایم» نوشت : **«کوبریك در کار سر دیالوك و دوربین ، غنای فکر و تخیلی بسیار بیش از آن نشان داد که هالیوود از زمان عزیمت اورسون‌ولز از آنجا به‌خود دیده بود .»**

کوبریك ، پس ازاین، امتیاز فیلم کردن نوولی را که «همفری کاب» به سال ۱۹۳۵ تحت عنوان **«راههای افتخار»** نوشته بود ، خریداری کرد . او این کتاب را در زمان تحصیلات دبیرستانیش خوانده و خود سناریوئی براساس آن تنظیم کرده بود . اما هیچیك از استودیو های بزرك هالیوود علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در امر تهیه این فیلم نشان نمی دادند . کوبریك اشاره می‌کند : **«نه مثلا به این دلیل که این یك فیلم ضد جنك بود ، بلکه صرفا به این‌خاطر که آنها علاقه‌ای به سوژه این فیلم نداشتند .** ولی سرانجام کرك داگلاس موافقت کرد که در این فیلم بازی کند و یونایتد آرتیستز هم نهصد و سی وپنج هزار دلار به پروژه تهیه آن اختصاص داد.

علیرغم جاری شدن سیل فیلم های ضد جنك در سالهای اخیر ، **«راههای افتخار»** (۱۹۵۷)، هنوز به‌عنوان یکی از سازش ناپذیرترین فیلمهای ژانر خود یاد می‌شود. مسئولیت ناپذیری و بی‌لیاقتی خوف‌انگیز افسران در قبال مردان تحت فرمانشان ، با رفتار یك کلنل فرانسوی (جورج مك‌ردی) که ماموریتی مرگبار را بسربازانش می‌سپارد به امید آنکه خود ترفیع مقام یابد ، به نقطه اوجی کوبنده و تلخ می‌رسد. وقتیکه این‌سربازان در سنگرهایشان گیر می‌کنند و راهی برای‌پیشرفت و پیشرفت نمی‌یابند ، این کلنل به اعضای سایر دسته‌ها فرمان می‌دهد که به سوی سنگر های سربازان گرفتار آتش بگشایند . کلنل داکس (کرك داگلاس) پس از این مجبور می‌شود که از سه سربازیکه بطور تصادفی از میان‌همه سربازان‌انتخاب شده‌اند که به اتهام «ترك خدمت» محاکمه نظامی شده و محکوم گردند ، حمایت کند .

فیلم انباشته است از کنایه‌های لفظی و بصری . در صحنه‌ایکه طی آن سربازان محکوم ، در انتظار فرارسیدن زمان اعدام نشسته‌اند ، یکی از آنها به لحنی شکوه‌آمیز می‌گوید سوسکی که روی دیوار سلولشان می‌بینند ، بعد از مرك او زنده خواهد ماند ! یکی ازرفقایش با ضربه مشت این سوسك را له می‌کند و می‌گوید : «حالا تو یك امتیاز از او جلوتری : این تو هستی که بعد از مرك او زنده مانده‌ای !»

فیلم کوبریك با آیه هائی از امید و انسانیت پایان می‌گیرد : داکس در صحنه اختتامیه سربازانش را تماشا می‌کند که در بحبوحه جنك ، تحت هدایت یك دختر زندانی آلمانی ، به خواندن‌آوازی درباره عشق سرگرم شده‌اند (رل این دختر محجوب را یك‌آکترس آلمانی به اسم «سوزان کریستیان» بازی‌می‌کردکه نام اصلیش«سوزان کریستیان هاریان» بود .... و اما حالا اسمش خانم استانلی کوبریك است !)

ادامه‌دارد





پیتر باگدانویچ

از «نقد فیلم» تا «کارگردانی»





* رایان اونیل و باربارااستریسند در صحنه‌هائی از فیلم کمدی «قضیه چیه ، دکتر؟»



مروری بردوفیلم «آخرین نمایش فیلم» و «قضیه‌چیه،دکتر؟»

● سینمای آمریکا در تحول اخیر خود ، میراث شگرفی از کارگردانان خلاق ، صاحب سبك و جوان برجای نهاده که این‌روزها برای این سینما ، تجربه‌های‌تازه‌ای همراه با افتخارات فراوان کسب می‌کنند . سینماگر تازه ما «پیتر باگدانوویچ» این روزها بانمایش «آخرین نمایش‌فیلم» شهرتی همپایه «اورس‌ولز» در آمریکا بدست آورده، چراکه نویسندگان‌ومنتقدین آمریکائی گوشزد می‌کندکه ازرمان «همشهری کین» ولز تا بحال فیلمی چون اثر «باگدانوویچ» دیگر ساخته نشده است .

فیلم باگدانوویچ که دومین ساخته وی بشمار میرود (اولین فیلم او «هدف‌ها» نام دارد که در ضمن آخرین فیلم «بوریس کارلف» بشمار میرود) درفستیوال اخیرنیویورك باچنان توفیقی‌روبرو شد که انتظارش نمیرفت و پس از فیلمی چون «٥ قطعه آسان» این فیلم توانست برای سازنده‌اش «افتخار»ی بی‌مانند کسب کند .

● «آخرین نمایش فیلم» با یك بودجه کم و سیاه و سفید و با شرکت هنرپیشگان گمنام و غیر تجارتی ساخته شد . بقول خود باگدانوویچ این فیلم «روابط هشت یا نه آدم را در یك شهر مرده در تگزاس‌بیان میکند» . حوادث‌داستان در محیط یك شهر کوچك درجنوب غربی آمریکا اتفاق می‌افتدو سوژه اصلی آن پوچی وخستگی‌وبیهودگی ناشی از زندگی یکنواخت و کسالت بار دراین اتمسفر خفه ومرده را حکایت می‌کند .

زمان‌وقوع داستان سال۱۹۵۱ است وگرچه داستان از دید چند کاراکتر اصلی بیان میشود ، اما رابطه ما بیشتر با دوجوان تازه بالغ‌برقرار میگردد . که یکی از آنها در «آنارین» مانده ودیگری به ارتش ملحق شده و عازم جنك کره است .

همانطور که گفته شد فیلم او بطور سیاه و سفید فیلمبرداری شده و باگدانوویچ نیز در این مورد میگوید : «من معتقدم که رنك جنبه رمانتیزم قضیه را شدت میدهد ، که این آن حالتی نبود که من‌میخواستم بدست بیاورم واقه مورد نظرم نبود فیلمبرداری‌سیاه و سفید یك جور عمق و احساس به ماجرا می‌بخشد . که این حالت به سختی با رنك بدست می‌آید .»

وی در این فیلم زبان‌سینمائی وژه‌ای بکار برده : ویژالوهای

نقل از : فتوپلی
ترجمه : جمشید ارمیان

طولانی و خصوصیات دیگری که سالهاست دیگر کمتر از فیلم‌های آمریکائی‌بکار میرود. باگدانوویچ با حالتی ساده روش زندگی وطرز تلقی جنسی ، اجتماعی و سیاسی آن‌زمان‌رادوباره بذهن‌آمریکائی‌ها باز میگرداند .

سوژه اصلی از نوولی نوشته «لاری‌مك‌مورتری» اقتباس گردیده و باگدانوویچ ضمن دادن تغییراتی در آن ، با همکاری «مك‌مورتری» سناریو فیلم را می‌نویسد . فیلم بطورکلی نمایش دو ساعته‌ای از سکس و بلوغ و تکامل آن است نمایشی است از بیزاری ، خستگی از دید دو جوان دبیرستانی «سانی» و «دوئین» که بتدریج با

بقیه درصفحه ٤١

آنی ژیراردو

هیپی ۴۰ ساله!





● چهل سال دارد ولی‌هنوز همچون یك ستاره تازه نفس‌فعالیت دارد. «آنی‌ژیراردو» را درنقش‌ـ های مختلف و در فیلمهای متفاوت دیده‌ایم و این آخری که Non ChiacchieraP.u . نامدارد از یك سوژه کاملا نـو برخوردار است . برای خـود «ژیراردو» ایفای این نقش بـآن اندازه جالب بود که وی مدتهـا همچنان در قالب یك هیپی باقی ماند و حتی پس از اتمام فیلم ـ برداری برای مدتی زندگی عادی خود را مانند یك هیپی گذراند .

فیلم مذکور که‌ترجمه‌نام‌آن‌چیزی است در حدود «وراجی نکن ...او خواهد فهمید» توسط‌یك کارگردان فرانسوی بنام «میشل اودیـار» کارگردانی میشود .آنی‌ژیراردو در نقش یك هیپی که رئیس یـك گروه گانگستر میباشد و مرتبـا دستور کشتن افراد را صادرمیکند، ظاهر میشود . فیلم یك کمـدی ناب با تمام خصائصش میباشد کـه ساختن اغلب صحنه‌های آن برای کارگردان فیلم‌ناراحتی بسیارایجاد کرده است بخصوص سکانسهائی‌که ژیراردو مجبور به موتور سواری میباشد که هرگز موفق نشدندکسی را بعنوان «بدل» او پیدا کنند.

● **آنی از شرکت در ایـن فیلم راضی هستی ؟**

ـ من یك هنرپیشـه‌ام و مجبورم هر نقشی را که بمن‌محول میشود قبول کنم ، البته بشرط آن که داستان فیلم برایم جالب باشد. این فیلم نیز بخاطر سوژه جالب و نقشم مورد توجهم میباشد و بـا وجود تمام ناراحتی هائی که بهـ خاطرش متحمل شده‌ام از شرکت در آن راضی و خوشحالم .

● **نظر شما نسبت باین جور افراد چیست ؟**

ـ اگر منظورتان «هیپی»ها است ، باید بگویم آن عده کـه معتاد هستند بعقیده من هـرگـز نمیتوانند گناهکار باشند ، چون واقعا مریض هستند و مجبورندتن باین کار بدهند .

● **در این فیلم چه نقشی‌به شما محول شده است ؟**

ـ رئیس یك باند قاچاقچی که بیخود و بی‌جهت دستور کشتن مردم را میدهد .

● **چطور شد که در یـك فیلم پلیسی شرکت کردید ؟**

ـ من مایلم بیشتر درفیلمـ های کمدی بازی کنم ، و ایـن فیلم نیز یك کمـدی است کـه گانگستر بازی را هجو کرده‌است. و اگر شما در آن با صحنه هـای کشت‌وکشتار ویاانتقامجوئی مواجه میشوید . بلافاصله با صحنه هـای کمدی جالبی نیز روبرو خواهید شد .

● **چـرا جدا ازهمسرتـان «رناتوسالواتوره» زندگی مـی ـ کنید ؟**

ـ جدائی ما بیجهت نیست زیرا او اکنون در ایتالیا بسـر میبرد و مجبور است بخاطرحرفه‌ای که دارد در آنجا باشد و من نیز اجبارا بخاطر حرفه‌ام در پاریـس ولی این جدائی زیاد طول نمیـ کشد چون پس‌از اتمام فیلمبرداری بار دیگر همدیگر را مـلاقـات میکنیم .

● **راجع بفرزندتان«جولیا» چه میگوئید ؟**

ـ تمام تلاش‌من‌بخاطراوست. «جولیا» چون در پاریس متولد شده و در اینجا بزرك شده بخاطر علاقه‌اش باین شهر از من خواسته است کـه در اینجـا بمانیـم در سورتیکه من بیشتر علاقمندم در ایتالیا زندگی کنم .

● **فیلم های آینده شمـا کدامند ؟**

ـ فعلا قراردادی ندارم ولی پیشنهادات زیادی بمن شده کـه بدون شك طرف یکی ، دو هفتـه آینده معلوم خواهد شد . یکی از این فیلمها در ایتالیا تهیه میشودو احتمالا باشوهرم «رناتوسالواتوره» همبازی خواهم بود

نقل از Gente چاپ ایتالیا

ترجمه : حسن مرتضوی



برانسون

یك شوهر نمونه

نقل از EVA چاپ ایتالیا
ترجمه : حسن مرتضوی

● چارلزبرانسون رئیس خانواده، پنجاهو دو ساله ، مرد «بد» هالیوود ، قهرمان سابق وزنه برداری .و جیل ایرلند ، دومین همسر او ، ۳٤ ساله ،زیبا و بلوند ، شیرین و دوست داشتنی اینها اکنون از خوشبخت ترین زوج های سینمائی محسوب می‌شوند . هنگامیکه باتفاق فامیل خود که یك خانواده پنج نفری میباشند برای استراحت به سایل «ایتالیا» آمدند هر خانواده ایتالیائی بزندگی خوش و مملو از شعف آنها غبطه میخورد .

آندو اکنون بیش از همه به فرزند جدیدشان «زلیخا» عشق میورزند زلیخا در ماه اگوست گذشته بدنیا آمد، چارلز و جیل در سال ۱۹٦۸ با یکدیگر ازدواج کردند . در آنموقع چارلز دو فرزند از همسر سابقش «هاریت تندلر» و جیل سه فرزند از شوهر سابقش داشت ولی بعد از آشنائی و پس از ازدواج هرگز حاضر نشدند از فرزنداشان جدا زندگی کنند و ترجیح دادند بار مخارج بیش از حد را بدوش بکشند ،جیل در پاسخ یك خبرنگار ایتالیائی که در مورد شوهرش «برانسون»سئوال کرده بود گفت :

چارلز یکی ازدوست‌داشتنی‌ترین افراد خانواده است صمیمیت و گذشت از خصوصیات اصلی او محسوب میشود . بیش از همه صبری عجیب و تحملی غیر قابل تصور در سر و کله زدن با بچه‌ها را دارد و هیچ چیز را بگردش و تفریح و کلنجار رفتن با بچه‌ها ، ترجیح نمیدهد .

صحت گفته های «جیل» در مورد شوهرش «چارلزبرانسون»پس از دیدن تصاویر این صفحات به بیننده ثابت میشود ، تصاویری استثنائی که از توجه بیش از حد چارلز به زن و فرزندانش حکایتها دارند . اما حرفهای‌چارلزبرانسون نیز در مورد همسرش «جیل ـ ایرلند» شنیدنی است .

«جیل» همسری است ایده‌آل زیباتر از او در دنیا زنی رانمی‌توانید بیابید ، هرگز مادری مهربانتر از جیل وجود ندارد . بعد از آشنائی بااوهمه عادت های خوب و بدم را فراموش کردم و اکنون از کوچکترین وقتم برای ماندن در کنار او استفاده میکنم زیرا تمام خوشی های دنیا در

وجود او جمع شده است .

شاید برای شما تعجب آور باشد که بگوئیم «چارلزبرانسون» علاوه بر آنکه یك هنرپیشه سینما است ، یك نقاش خوب و باتجربه نیز میباشد !! . چارلز قبل از آنکه هنرپیشه سینما شود و حتی بعد از آنکه بورزش روی آورد علاقه زیادی به کپی کردن ازروی آثار نقاشان بزرگ داشت و این علاقه هنگامی شدت پیدا کرد که چارلز با درآمد کمی که پیداکرد موفق شد مقداری رنك و تعدادی بوم نقاشی برای خود بخرد .

هنوز خاطره حرفهای پدر چارلز برایش باقی مانده که باو گفته بود . « تو هرگز چیزی نخواهی شد ، مگر آنکه حرفه‌ای معین‌برای خود تعیین کنی» . اما گفته‌های پدر که آرزویش این بود کهچارلز کوچکش بدنبال حرفه‌ای برود در او تاثیر نکرد تا آنکه نقاشی‌ را کنار گذاشت و بورزش روی آورد و بعد از آن به سینماکشانده شد . اما نقاشی تنها چیزی بودکه «براسون »نتوانست از آن فرار کند و بیشتر اوقات بیکاریش را به کشیدن منظره و این اواخر به کشیدن تابلو های آبستره گذراند .

اخیرا مدیر یکی از گالری‌های معروف آمریکائی تابلو های او را خریده است و بزودی نیز تصمیم داردار آثارنقاشی اواکسوزیسونی تشکیل دهد. ناگفته‌نماند«آل‌دلون»

بقیه در صفحه ۳۸



● چارلز باتفاق آخرین فرزندش

فیلمسازی آماتوری

از : فریدون ـ م صالح

«اخبرنگار فیلم وهنر درآلمان»

« ۷ »



● مثال ساده دیگری برای درك بیشتر این مطالب ذکر می‌شود .

صحنه‌ای در دست تهیه است در دو پلان ـ پلان اول پیادمرو خیابانی است با رهگذران و غیره زمان فیلمبرداری ، در وسط روز است ـ هوا گرم و آفتابی است (گرمای هوا ازلباس‌نازك‌تابستانی آدمهای فیلم مشخص است).دراین پلان هنرپیشه مرد فیلم کارش این است : بعد از مدت کوتاهی که جلوی دوربین راه رفت وارد مغازه‌ای میشود ـ در پلان دوم خروج او از مغازه نشان دادهمی‌شود که هنرپیشه بعد از خروج‌از جهت مخالف سمتی که آمده بودبه راه خود ادامه میدهد و از کادر خارج میشود . در این صحنه‌کاری که هنرپیشه دارد از نظر سناریو و داستان فیلم مهم نبوده و احتیاجی به نشان دادن آن نیست اما آنچه مهم است مدت زمان توقف او در این مغازه است (تقریبا ۱۵ تا ۲۰ دقیقه) که مستقیما بهموضوع‌داستان فیلم ارتباط دارد و (بایستی)به‌طریقی بازگو شود ـ نشان دادن بدون مقدمه ساعت در این صحنه بی‌معنی است و دلیل ندارد که فیلمساز گذشت زمان بین دوپلان‌را بانشان دادن‌ساعت بتماشاچی بفهماند و آنهم در دو حالت مختلف ـ

در اینجا فیلمساز بایستی ابتکار بخرج بدهد و بدون اینکه لطمه‌ای به اصل داستان بزند و بدون اینکه پلان های‌اضافی‌بیاورد و یا اینکه از (زیر نویسی)استفاده کند . طریقی انتخاب نماید که به آسانی این گذشت زمان به تماشاچی فهمانده شود .

همانطوریکه گفته شد واقعه در یك روز تابستان اتفاق میافتد و هوا گرم است ـ در پلان اول وقتی هنرپیشه وارد مغازه شد ـ دوربین آهسته بطرف مردی می‌رود که در گوشه صحنه با گاری کوچك دستی خودش ور میرود ـ چرخ این گاری شکسته و مرد مشغول تعمیر آن میباشد (دوربین بطرف بار این گاری که دو قالب یخ میباشد میرود و یخها رانشان میدهد و پلان قطع میشود).

درپلان دوم‌ـ دوربین بازیخ ها را نشان میدهد و عکس حرکت پلان یك را انجام داده بعقب‌میرود تا بجای اول در پلان یك برسد ـ مردك را نشان میدهد که هنوز با چرخ گاری‌اش دارد کلنجارمی‌رود و بعد مغازه را نشان میدهد که هنرپیشه از آن خارج و براه خود میرود ـ در اینجا این تفاوت هست که در پلان دوم دیگر از یخها بجز یك قطعه کوچك خبری نیست و تمام آب شده‌اند ـ این آب شدن یخ در هوای گرم‌تابستان احساس گذشت زمان مطلوب‌سناریو را به تماشاچی منتقل میکند .

این تمرینات و مثال‌هاباعث میشود که فیلمساز نو آموز ما کم‌کم به اهمیت استفاده حرکت پی برده و (بزبان فیلم) آشناشود تاموقع تهیه فیلمش‌قدرت‌آنرا داشته باشد که وقایع و احساسات را با استفاده از آن بیان نماید . ـ

ضمنا این نکته را نیز بایستی متذکر شد که تنها سینما و فیلم نیست که به نوآموز فیلمساز ، مطالعه در حرکت را میاموزد بلکه توجه به اطراف و جوانب‌زندگی روزمره مردم و حرکات آنهاخود نیز وسیله‌ای است موثر برای‌مطالعه حرکت .

نوشتن سناریو مستلزم رعایت سه نکته بسیار مهم است‌یك‌سناریست بایستی آنها را آموخته و همیشه در نظر داشته باشد .

این نکات عبارتند از :

۱ ـ توازن بین صحنه‌ها

۲ ـ همبستگی پلان‌ها

۳ ـ صرفه‌جوئی

روی این سه نکته است که میشود خوبی و بدی بازگوئی واقعه را در فیلم سنجید .

توازن بین صحنه‌ها اغلب‌بعد از خاتمه فیلم قابل سنجش است . اما فیلمساز میتواند قبلا آنرا تا حدودی در سناریو کنترل نمودهو مورد مطالعه قرار دهد .

اگر در فیلمی فقط ، صحنه‌هائی آرام و بدون هیجان و کم حرکت نشان داده شود ، یا بر عکس اگر این فیلم فقط دارای صحنه های پر هیجان و پر حرکت یا بقول فیلمسازان (دینامیك)باشد ـ در اینجا توازن این فیلم بهم خورده و تماشاچی را خسته وکسل میکند ـ چون در فیلمی که فقط صحنه های هیجان انگیز نمایش داده میشود دیگر این هیجان اثری

بقیه در صفحه ۳۸

جمشید اکرمی

گزارش فیلم

یک کار درخشان از کلود شابرول

قصاب

The Butcher

● به کوشش اونسای سینه کلوب ایران، هفته گذشته یکی از بهترین فیلمهای کلود شابرول، «قصاب» (که در نمایش معمولی خود در ایران احتمالاً نام «بشتس، یک جنایت» را خواهد داشت) نمایش داده شد. «قصاب» گرچه به‌ظاهر یک فیلم سوسپانس به نظر میرسد و پرداخت شابرول‌هم، بانیرنگهائی ازبابپرداخت هیچکاکی نشان می‌دهد، اما اساساً علیرغم کیفیت رویه ظاهری، یک فیلم جنائی نیست. همچنانکه پرداخت شابرول هم صرفاً در جهت خلق دلهره و شوک عمل نمی‌کند. چیزی که در لایه زیرین فیلم مطرح می‌شود و بهانه‌ای برای چند جنایت می‌گردد، در واقع نمود یک برخورد عاطفی را دارد، که از عشق سرکوفته یک قصاب تنها ناشی می‌شود. اگر که غیر از این بود، حتی اهمیت ماجرا در فنتهائی بود که انجام می گرفت (در حد اهمیتی که یک‌قتل دریک فیلم پیچیده و معمائی جنائی دارد). آنگاه این به‌نظر بسیاربعید میرسید که مثلاً شابرول به عنوان نشانه‌ای بازمانده قاتل در کنار جسد مقتول، فندکی را به جا گذارد که مثلاً کاراکتر زن فیلم چند روز پیش آنرا به قاتل هدیه داده است. چرا که این آشکارا یک تدبیر سخت ابتدائی و کلیشه‌ایست، اگر که جدی گرفته شود. اما شابرول به قصد مطرح کردن مساله اصلی فیلم که ریشه‌های کاملاً احساسی و عاطفی دارد، به‌عمد از چنین مسائل حاشیه‌ای، آسان گذشته است.

بار آفرینی ماهرانه یک‌فضای گرفته و وهم‌انگیز به لطف تالیف جور وماهرانه‌ای از نورپردازی، رنگ آمیزی کادرها، پلانها وحرکات دوربین، به گونه‌ایست که در هر لحظه احتمال وقوع یک‌حادثه را در ذهن تماشاگر زنده نگهمیدارد.

بازی «ژان‌یان» در قالب «پوپول» قصاب، عالی و تکان‌دهنده است. در ضمن دوستداران کار شابرول دلشان شور نزند که دراین فیلم هم مثل همیشه آن سکانسهای معروف میز شام و ناهار که کم‌کم دیگر وجه تشخص کار شابرول شده‌اند جای خود را دارند!

● **ویک توضیح:** هفته گذشته ــ قبل از آنکه ما فیلم را دیده باشیم ــ ترجمه مطلبی را در مجله نقل کرده بودیم که تصور می‌کردیم راجع به «قصاب» نوشته شده، اما این مطلب در اصل مربوط بود به فیلم «حیوان درنده باید بمیرد» (در انگلستان: قاتل) که شابرول پیش از «قصاب» آنرا ساخته است ولی ما هنوز در تهران زیارتش نکرده‌ایم. انشاالله که این مهر را برما می‌بخشید!

***

یادی از چاپلین

یکی دیگر از بخشهای سوش هفته گذشته ما، تماشای فیلم طویل «جویندگان طلا» وچهار فیلم کوتاه چارلی چاپلین در انجمن فیلم دانشکده اقتصاد بود (این فیلمها را انجمن ایران و آمریکا پیشتر همراه با یک فیلم طویل ودو فیلم کوتاه پلنترکیتن، طی چهار روز متوالی نمایش داد).

چهار فیلم کوتاه چاپلین، (ولگرد، یک عصار شب، خیابان اویش و شبی درنمایش) برای یک تماشاگر آشنا به کار او، جزآنکه به‌عنوان یک معارفه کلی، ویژگیهای حرکات چارلی را منعکس سازند، نکات بدیع و قابل اعتنای دیگری در نداشتند. حرکات، تکراری و افه‌های کمیک، قابل پیش‌بینی بودند. اما «جویندگان طلا» Gold Rush درامیی که یک شاهکار است، یک کمدی بسیار باهوش باظرافتهای میناتوری و سرشار از لحظه‌های باطراوت کمیک. فیلمی درآنچنان سطحی از ارزش سینمائیست که خودآگاه این احساس‌را درتماشاگر برمی‌انگیزد که چارلی یک آدم بیش یگانه بود، بهترین کمدین سینما که تاآن زمان هرگز همتائی نداشته است.

***

آقای وادیم به هالیوود می‌رود!

صف دختران خوشگل

Pretty Maids All in a Row

● روژه وادیم فیلمساز فرانسوی که به «کاوشگری های پنهان زنانه» شهرت یافته‌است، درنخستین فیلم امریکائیش آمریکا را از سوراخ سوزن نگاه کرده‌است! وادیم هم، آنطور که نشان می‌دهد، مثل خیلی دیگر ازهمبالگی‌های اروپائیش در برخورد با ماشین غول پیکر فیلمسازی هالیوود، آنچنان دستهارا به علامت تسلیم بالا برده که حتی رد پای کمرنگی هم از آن وادیم دقیق ونکته سنج فیلمهای فرانسویش دراین فیلم بجا نگذاشته است.

«صف دختران خوشگل» بنا به ادعای سازندگانش قرار است کمدی سیاه باشد ــ که بطور قطع نیست. سناریوی عجیب و غریبی که تکیه برهیچ منطقی ندارد ــ نه یک منطق بیرونی و نه یک منطق طبیعی خاص خود ــ ترکیب نامتعادلی است از عناصری چون سکس وجنایت و عدم تعادل روانی ونارسائیهای جنسی دوران بلوغ که تازه برداشتهای ابتدائی وادیم را هم ازمسائل مثلاً حاد جامعه امریکا بیدک می‌کشد. نگاه کنیم که وادیم مثلاً مساله تبعیض نژادی را چگونه دیده است: یک افسر پلیس (کینان وین) به مجرد ورود به راهروی دبیرستان، پس از نخستین قتل، یقه یک دانشجوی سیاهپوست را می چسبد و می‌گوید که به او مشکوک است!

وادیم برای نجات فیلم خود از آنچه که اینک هست در وهله اول می‌بایستی که «عمو» حساب شده‌ای را جایگزین «طنز» سست و آبکی آن می‌کرد و نیز عنصر «فانتزی» را با کیفیتی سنجیده و میزان درکنار «واقعیت» می‌آورد ودر وهله بعد، کاراکتر «دیگر» (راک هودسن) را زیر ذره‌بین یک بررسی ومکاشفه متصل روانی قرار

بقیه در صفحه ٤١



● ژان‌یان واستفن اودران (همسر شابرول) در صحنه‌ای از «قصاب»

آشنائی با هنرمندان فیلم حکیم‌باشی



مفیدی

— پنج شش سال بیشتر نداشتم که فکر هرپیشگی به مغزم خطور کرد و صراحتا بگویم بزرگترین آرزویم این بود که حتی اگر شده ایفای رلی کوچك در یك فیلم برعهده من واگذار شود و شاید روی اصل همین علاقه و ضمنا نداشتن میدان دراین زمینه، تصمیم گرفتم فعلا خود را با تآتر اقناع سازم تا بلکه در آینده، پلی برای ورود به سینما بحساب آید و باین ترتیب بود که در دوره تحصیل خود چه در دبستان و چه در دبیرستان، اقدام به بروی سن آوردن نمایشنامه هائی کرده و سرانجام نیز زمانی که تازه سیکل اول دبیرستان را بپایان رسانیده بودم، تحصیلات خویش را نیمه کاره رها کرده و عازم تهران‌شدم و فعالیت بازیگری‌ام را با تآتر درجامعه باربدادامه داده‌وضمن آن به شغل گریمور نیز پرداختم و گهگاه نیز تنظیم دکور های صحنه را برعهده گرفتم. بهر حال چند سالی باین منوال گذشت تاآنکه با کریمی آشنا شدم و کریمی بامحبتی بی‌دریغ، راهنمای من در عالم‌تآتر شد و سرانجام برای بازی در یك فیلم طویل سینمائی که بطریقه شانزده میلی‌متری فیلمبرداری‌میشد و نام آن «پریچهر» بود که مرحوم بایگان سازنده آن محسوب می‌شد، از من دعوت بعمل آمد و من که ضمن فعالیت در تآتر، تازه کار در اداره هواشناسی را هم آغاز کرده بودم و ناگفته نماند که در ایام فراغت هم به ادامه تحصیلات‌مشغول می‌شدم، با بازی در «پریچهر» در واقع نخستین قدم خود را در عالم سینما برداشتم و یکی دو سال بعد نیز تصمیم گرفتم به استودیو عصر طلائی رو کنم و در این استودیو بود که فیلم «آقا جنی شده» را بازی نموده و در ضمن گریمور این فیلم نیز گردیدم. درهرصورت بعد از بازی در چند فیلم دیگر، کار در اداره هواشناسی، تا اندازه‌ای مرا از بازیگری دور ساخت تااینکه‌بافیلم «لیلی‌ومجنون» ساخته سیامك یاسمی، مجددا به سینما رو نمودم و پس از آن نیز «درشکه‌چی» و «کلبه‌ای آنسوی رودخانه» و «بدنام» و «درازدرخت سنجد»... و«محلل» به لیست فیلم‌های ثمره فعالیت‌سینمائی من‌افزوده شد و بالاخره پیشنهاد بازی درفیلم «حکیم‌باشی»، مرا به ایفای یکی از بهترین رلهای دوران کار سینمائی‌ام واداشت و هم‌اکنون نیز که دست اندرکار بازی وگریموری فیلم «حسن سیاه» می‌باشم...

آنچه که‌دربالا آمد،توضیحاتی بود که مفیدی در مورد آشنائی بیشتر با خود، داد و بدنیست که به ادامه گفتگوئی که بااین هرمند فیلم «حکیم‌باشی» بعمل آمده توجه نمائید:

— آقای مفیدی، علت آنکه «حکیم‌باشی» را در بین فیلم های خود، استثنائی دانستی چیست؟

— والله«حکیم‌باشی» در وهله نخست فیلمی است که برای مردم ساخته شده و بدور ازهرگونه‌تقلید و دنباله‌روی از چیز های مبتذل، ارائه دهنده تمی نو در سینما میباشد و در ثانی من در این فیلم در کنار چهره هائی چون: نصرت کریمی، ایرن، منوچهروالی‌زاده، شفیع، دیانا و دلارام و چند تن دیگر که فکر می‌کنم هریك قالبی دلخواه دارند، ایفاگر کاملترین رل سینمائی خویش می‌باشم و امیدوارم که مردم کاملا پذیرای رل و همچنین این فیلم شوند.

— در مورد کارگردان فیلم «پرویز نوری» چه می‌توانی بگوئی؟

— همینقدر که نوری کارگردانی است که خوب می‌فهمد و به سینما خوب آگاهی دارد و می‌تواند نوری امیدبخش برای‌سینمای ما باشد، مضافا به اینکه کمتر رعایت همه جانبه و بی‌اندازه‌هنرپیشگان فیلم را مینماید!

— فکر می‌کنی که تلفیق هنرمندان باصطلاح کارکشته و چهره های‌نسبتاتازه‌کاردر «حکیم‌باشی» بصورتی دلخواه صورت گرفته است؟

— صد در صد، و فیلم موید این نظر است، چه که از همه، بحد لازم کار گرفته شده و تا رضایت پیدا نکردن کامل، ازکسی صرفنظر نشده و سعی گردیده است که از تمام عوامل، در جهت‌هرچه بهتر شدن فیلم کمك گرفته شود.

— می‌توانی یك خاطره جالب از زمان بازی در این فیلم تعریف کنی؟

— البته، من در «حکیم‌باشی»، رل رمضون که درحقیقت وردست حکیم باشی باشد را ایفاء می‌نمایم و حکیم‌باشی مردی است که نسبت به جنس لطیف حساسیت بیش از حدی دارد و من که مانند او دستم به‌زن جماعت نمی‌رسد، بابزی که دارم دردِ دل می‌کنم و همین انس و الفت فوق‌العاده من با بز، خیلی‌ها را به فکر خیالهائی دراین زمینه می‌اندازد و این مسئله به خارج از فیلم نیز سرایت کرده و حتی یك روز که اکیپ برای‌صرف نهار آماده بود، همایون ارجمند فیلمبرداری که در «حکیم‌باشی» به

بقیه در صفحه ۴۳

● مفیدی باتفاق نصرت کریمی در صحنه‌ای از فیلم «حکیم‌باشی»



نظرها

قلندر
زندگی الوان

● ... واین دیباچه‌ای است رنگارنگ والوان از زندگی مابا تمام واقعیتش ...

با کار «حاتمی» آشنایی داریم واورا فیلمسازی می‌شناسیم که متوجه زندگی واقعی واصیل است وبرای بیان گوشه‌ای از آن — آنمهائی را برمی‌گزیند که‌کمیاب و مقتصد همچون قلندر که در زندگی تنها به جنبه آبرو وناموس و غیرت خود متکی است — تا بآن حد که حتی پرده از عشق خود برنمی‌گیرد عشقی آتشین ودرون سوز که عاقبت هم مانند عشقهای راستین دیگر بی‌فرجام و ناکام میماند.

مسئله‌ای که در مورد کار حاتمی میتوان عنوان نمود اینسکه چرا وی بسراغ زندگی واجتماعی دور از حال حاضر و نسبتا منقرض شده میرود و در جامعه کنونی ما واقعیت را جستجو نمی‌نماید ؟

علیرغم همه این حرفها قلندر بجز چند صحنه رقص و آوازش سازشگر منابق واقعیت‌ها و آداب‌و سن ماست — اگرچه داستان آن با این زمان وابستگی ندارد ولی بخوبی پیش میرود.

مشهد — سعید فرهمند

محلل

فیلم «محلل» فیلمسازی را بما می‌شناساند که با دردهای اجتماعی ما آشناست و آنها را با طنز و شوخی برروی پرده سینما منعکس میسازد کریمی مردم ما را خوب می‌شناسد و آنهارا درک می‌کند — مردمی که‌گرفتار نوعی عطش‌جنسی هستند واین غریزه در فیلم قبلی او «درشکه‌چی» نیز مطرح بود. اشکال کار در اینجاست که قهرمان فیلم معتقد است که زن خیانتکار را باید طلاق داد ولی خیانت دختر فقط با خون پاك میشود اما عملا می‌بینیم که حاجی در مقابل گناه دختر عکس‌العملی از خود نشان نمیدهد بلکه خوشحال هم میشود برای اینکه بعزتش برسد رویهمرفته محلل را میتوان از جمله فیلمهای خوب سینمای ایران دانست .

محمود یاراحمدی — خرم‌آباد

نقره‌داغ

● بار دیگر اثری تسخیر کننده و باارزش را که نشانی است آشکار از ترقی و پیشرفت سینمای ایران برروی پرده‌مشاهده می‌کنیم.

نقره داغ فیلمی است جالب واصیل که چه خوب بود سینمای ما بااینگونه فیلمها آغاز میشد و دراین صورت بدون شك سینمای کشورمان بازاری بین‌المللی می‌یافت ایرج‌قادری هنرمند پرقدرت سینمای ما که او را در «غلام ژاندارم» در دونقش متفاوت دیدیم در نقره داغ علاوه برکارگردانی خوب و گیرایش بازی در خور تحسینی ارائه میدهد — بعنوان مثال باید به صحنه‌ای از صبح زود که ایرج قادری منتظر آمدن طاهر است اشاره بنمایم و دراین صحنه حرکات او دقیقا کنترل شده است.

موزیك دلپذیر واقعی ازجمله امتیازات بارز فیلم محسوب میشود، بهرحال منتظر کارهای بعدی ایرج قادری در زمینه کارگردانی هستیم.

دزفول — ابوالقاسم خرمی

قلندر
و فیلمسازی خسته

● سینمای حاتمی برایمان کاملا آشناست — حاتمی خود سینمای رشمیك را بنیان گذارد و سپس معدومش نمود. فیلم «طوقی» از تقلیدی بود از «قیصر» و «قلندر»ش دنباله‌روی «داش آکل» در حالیکه میتوانست جدا از این تاثیر پذیری باشد بهرحال قلندر واپسین تلاش سینمائی است از کارگردانی خسته — حاتمی درپیوند دادن روابط کاراکترهایش و نیز درپرورش شخصیت «قلندر» مسلط نیست وفیلم فاقد افقهای سینمائی ونکات و لحظات باارزش میباشد. رقص و آواز و منولوگهای عشرت در بدو ورود به آن خانه بدنام و گفتگوی قلندر با عشرت در مغازه آلهم باصدای بلند ، همه وهمه‌نوعی کجروی از مسیر اصلی کار است.

فیلم میخواهدزندگی پهلوان را در گذشته تصویر کند ولی جز در صحنه‌های قمه‌کشی دیگر رنگی از پهلوانی و مردانگی در آن نمی بینیم هرچند که صحنه ستیز قلندر بادشمنان در روی گنبدها نه‌تنهافاقد آکسیون بود بلکه قدری هم غیر عادی مینمود.

کاراکتر ناصر ملك مطیعی بیشتر باکلمات بیان میشد تا با تصویر. بازی بهمن مفید گویاست.

بااینهمه درقلندر لحظات‌خوبی نیز هست مثل صحنه زفاف که بر روی دیوار آینه‌کاری شده منعکس میشد و حالت اروتیکی خاص داشت و یا صحنه اختتامیه که قمه قلندر در خاك نشسته و او در خون خود غلتیده و همچنین شب عروسی عشرت که قلندر نگران در بیرون ایستاده است ....

امیر کریمی

بدنام
شبه رقاصه



● پس از فیلمهای «رقاصه» و «کاکو» انتظاری را که از «شاپور قریب» داشتیم فیلم «بدنام» برآورده نساخت چه این فیلم فاقد ساختمانی مستحکم بود.

دراینجاست که فکر می‌کنیم «قریب» پس از ساختن «رقاصه» و «کاکو» که با موفقیت همراه بوده در نظر داشت تا فیلمی باین روال بسازد و «شبه رقاصه»ای مجددا خلق نماید روی این نظر عوامل مردم پسند آن فیلمها مثل رقص خانم فروزان را باین فیلم منتقل نمود — نتیجه اینکه یکبار دیگر ثابت شد که این عوامل هیچگونه دخالتی در موفقیت فیلم ندارند و توفیق فیلم رقاصه مثلا بخاطر «رقص»های آن نبوده بلکه عوامل اصلی موفقیت آن بازی قابل ستایش ناصر ملك‌مطیعی و فیلمبرداری با احساس صادقپور و موسیقی و کارگردانی تمیز و سنجیده‌اش بوده است.

شیراز — شاپور اندیشمند



باباشمل
نظارت فیلمساز

● علی حاتمی‌فیلمسازی است که‌ادبیات وفولکلور کشورش را خوب می‌شناسد و باعلاقه عجیبی که دراین رشته دارد در فیلمهایش نظارت دقیقی را از این نظر بعمل می‌آورد . باباشمل ، نمونه روشنی براین ادعاست دراین فیلم «حاتمی» دقیقا قصه را مصور می‌نماید و چه خوب هم دراین راه موفق است وفیلم ظرافت و روانی خاصی دارد واز دوربین بخوبی استفاده شده‌است.

فیلمبرداری خوب وبهره‌های بجائی که از آمیختن رنگها شده و همچنین تیتراژ بسیار جالب آن برای فیلم امتیازاتی کسب نموده است و برلطف فیلم می‌افزاید .

فیلم از نظر بازی هنرپیشگان نیز غنی است که در آن میان بازی «فردین» باانعطاف و نرمش خاصی که دارد بردیگران رجحان دارد. از جمله صحنه‌های جالب آن‌سکانس مربوط به‌عروسی وحجله‌گاه فردین وفروزان است که باسبك خاصی ارائه میشود.

حاصل کلام آنکه «باباشمل» نیز بدنبال «حسن کچل» در خیلی از جملات میتواند یك استثناء باشد باتوجه باینکه‌حاتمی تابحال‌نخواسته است دنباله‌رو گردد و در روال بازاریابی فیلم بسازد روی این نظر کارهایش پیوسته از منابع سرشاری الهام گرفته‌اندبخصوص‌برای‌آنهائی که به‌ادبیات عشق دارند لطف و صمیمیت خاصی داراست. امید آن‌میرود که بتوانیم در آینده شاهد فیلمهای بهتری از این فیلمساز جوان باشیم.

علی‌اکبر کرمی

قلندر
خودخواهی پهلوان

● قلندررا باستثنای رامرفتن های مکرر زیر بازارچه و رقص و آوازهای بیمورد ویکی دو نقص دیگر مثل شخصیت پردازی ست وگنك عشرت خواهر خوانده قلندر باید بهترین وکاملترین فیلم حاتمی دانست.

حاتمی دراین فیلم همچنان علاقه خود را به فرهنك وفولكلور وآداب و سنن قدیمیها بیش از گذشته نمایان میسازد و بایك گراندهائی از معماریها و کاشی‌کاریها ـ نه فقط نمایشی ـ فضائی زنده برای فیلمش ایجاد می‌کند و این فرم خاص کار اوست.

سوژه فیلم جالب وازویژگی هائی برخوردار است. قلندر مردی است که عشقی ملکوتی به خواهر خوانده‌اش دارد و نمیخواهد هیچ مردی او را تصاحب کند و زمانی که باواقعیت امر مواجه میشود زندگیش به‌تراژدی کشانده میگردد وحاتمی این تراژدی را باتمام سنگینی‌اش بخوبی نمایان میسازد.

محتوای فیلم بخوبی پرداخته شده است واز حاشیه پردازی های بیمورد بدور است . نکته جالب آن کاراکتر تازه قلندراست واینکه جدا از خصوصیات وارسته مردی و لوطی گری موجودی است خود خواه و این حس او که از عشق ناشی شده باعث میشود که تماشاگر از او زده شود.

از صحنه‌های خوب فیلم عشق بازی صادق (شیراندامی) را با عشرت میتوان نام‌برد بخصوص‌اینکه در آینه کاریهای دیوار منعکس میگردد بازیهای خوب فیلم متعلق است به «ناصر ملك‌مطیعی» و «فروزان» و «شیراندامی» .

جمشید گشتاسبی ـ آبادان

رضا هفت‌خط
عجله فیلمساز

● ترابی رابافیلمهای کوتاه شناختیم و حال اورا در میان فیلم سازان سینمای فارسی می‌یابیم ـ روی این نظر همه منتظر بودیم تا اولین فیلم او «رضا هفت‌خط» را ببینیم و دستش را فشرده و باو تبریك بگوئیم ولی‌متاسفانه فیلم آنطوریکه انتظار داشتیم نبود . داستان فیلم تازگی نداشت و جنبه کمیك آن هم قوی نبود. برای کسیکه بتماشای فیلم نشسته است در تمام مدت نمایش این سئوال پیش می‌آید که هدف ترابی از ساختن‌این فیلم چه بوده است ؟

گاهی اوقات صحنه‌ها کاملا تصنعی میشود مثل صحنه‌ای‌که رضا پهلوان بازی درمی‌آورد و مردم را از خود می‌راند. اگر کارگردان باین وسیله میخواسته تنهائی رضا را نشان بدهد که فکر نمی‌کنم این صحنه چنین احساسی را بتماشاچی منتقل نماید و چه بهتر بود کهمردم رضارا فراری میدادند نه اینکه خندان و شادان ضمن اینکه به دوربین خیره شده‌اند از رضا دور شوند.

ترابی برای تضمین فروش فیلم ـ سکس را هم بکمك می‌گیرد و آنرا چاشنی کار خود میسازد. با تمام این احوال نباید بازی خوب وبکنست بهمن‌مفیدرا نادیده گرفت چرا که باتسلط هنرنمائی میکند وبازی او در خاطره‌ها خواهد ماند .

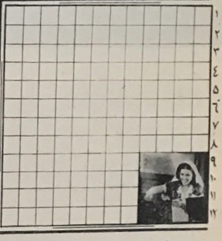
همدان ـ مسعود رجالی

بقیه در صفحه ۴۳

مسابقات

طرح و تهیه توسط : محمدابراهیم پروانه

شرح جدول



۱
۲
۳
٤
۵
٦
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲

راهنمائی : پس از حل جدول، در ستون مورب اسم وفامیل‌شومن جنجالی‌تلویزیون را خواهید یافت.

۱ـ ستاره‌ای که بفیلم‌آرمک معرفی شد ۲ـ هنرپیشه فیلمهای قلاب و مردان سحر ۳ـ هنرپیشه فیلم ماه‌پیشونی و شوفرها وکلفتها ٤ـ ازسه تهیه‌کنندگان سینمای ایران ۵ـ (برمیگردند) را بآن اضافه کنید تا از فیلمهای خوب مجید محسنی شود ٦ـ فیلمی بکارگردانی ناصر ملک‌مطیعی باشرکت خودش ورضا بیک ایمانوردی ۷ـ فیلم در دست تهیه‌ای از فردین و پوری بنائی بهنام‌یک‌فیلم تاریخی‌ازپارس فیلم که در آن ظهوری و فروزان بازی داشتند ۹ـ نام فیلمی از امیر شروان باشرکت فروزان و ناصر ملک‌مطیعی ۱۰ـ اینهم آقای قاطبه است که فقط حرف آخرش نیست ۱۱ـ فیلمی باشرکت گوگوش و ایرج رستمی ۱۲ـ هنرمند پرقدرت داش‌آکل و قیصر.

طراح: مصطفی محمدی (اصفهان)

مسابقه بزرگ

«۱۳»

کلیه پاسخ‌های این مسابقه بایك ریال تمبر باطل نشده باید همراه باشد . پاسخ‌های خود را بآدرس «تهران ـ صندوق ۱۹٤۷» ارسال دارید .

● هشت هفته ازآغاز مسابقه بزرك و جدید ما میگذرد و درطی این مدت در حدود پنج هزار نامه از سراسر کشور دریافت کرده‌ایم. شاید این تنها مسابقه‌ای باشد که اینگونه از طرف خوانندگان مجله ازآن استقبال میگردد وخوشحالیم که بگوئیم هرروز بیشتر از روز گذشته تعداد نامه‌ها افزایش می‌یابد در هرحال همانگونه‌که نوشتیم از این هفته اقدام بمعرفی برندگان هفته اول خواهیم نمود.

هجده برنده هفته اول عبارتند از :

آقای محمود میرزاده ازتهران (برنده یك ساعت) خانم سیمین پورمروت از مشهد ـ آقای یدالله سرایی از تبریز (برنده یك خودنویس) ـ آقای جواد همدانی از قصرشیرین ـ عبدالباقر نداف از آبادان ـ اسماعیل خلاق ازشیراز ـ محمود میرپنج از بندر بوشهر ـ اسکندر حلاج از اصفهان (برنده یك جلد کتاب) و عصمت صفوی ـ حمید محمودی ـ ناصر باقری ـ قمر کرمانی ـ مهدی کاظمی ـ سیروس عباس‌زاده ـ جوادارمی ـ یدالله محمدی ـ گیتی پرپور ـ سهراب یاوری ازتهران برنده بلیط سینما .

برای برندگان‌تهران وشهرستانها جایزه ارسال شد ، از آقای محمود میرزاده برنده ساعت از تهران‌خواهشمندیم با دردست داشتن شناسنامه برای دریافت جایزه خود بدفتر مجله مراجعه کنند.

اینك آغاز هفته هشتم

سیزده فیلم را نام ببرید که از سیزده حرف تشکیل شده باشد مانند هفت روز در ماه‌مه ـ پسران خیابان پل

برندگان کادوی هنرمندان

● هفته قبل تعدادی‌ازبرندگان کادوی هنرمندان (هنرمندان‌سینما) رادر مجله چاپ کردیم و اینك اقدام بمعرفی سایر دریافت‌کنندگان کادوی هنرمندان در سایر رشته‌ها مینمائیم.

لازم بتذکر است اگر نام هنرمندی برده نمی‌شود برای دریافت کادوی هنرمند مزبور کوپن لازم رادریافت نداشته‌ایم.

هنرمندان تلویزیون

عبدالعلی همایون (محمدهاشمی از تهران) پرویز صیاد (صمد جباری از تبریز) — پرویز کاردان (احمد جلایری از ساوه) نوذر آزادی(کاظم باقری‌شهرری) مسعود اسدالهی (گورگیس شاه ظریان اصفهان) پروین ملکوتی (سیمین بهادری‌از تهران)سیروس ابهمی (باقر جوادی از تهران) حسین حسینی (حمیده نیکوخصال ارقم) مری‌آپیك (بیژن احساسانی ازشیراز) شهنازتهرانی (قربانعلی قرهباغی از اردبیل) منوچهروالی‌زاده (بهادر جورابچی از قزوین) بهمنیار (یدالله مروت از بم) اسدزاده(ناصر نویدی از آبادان) داریوش (فرح‌مفاخری‌ازبندرلنگه) کیوان (بهرام‌فضلی از یزد)اونیك (محمود میرآفتاب از تهران)

هنرمندان رادیو

حمید قنبری (پرویز شهرام‌از بروجرد) منوچهر نوذری (عباس نداف از اصفهان) عارف (هاشم گرگانی ازتهران) رامش (مستانه ظهیری ازقزوین)قدکچیان (احمدخوش باور ازتهران) پوران(حسین ناصری از گرگان) منوچهر(کاظم احسانی از همدان) فریدون فرخزاد (نیره زنجانی ازنیشابور) الهه (محسن حامیان از اهواز) علی تابش (میترا جمالی ازتهران) آغاسی (احسان‌اله احسانی از کرمانشاه) ایرج (شهین‌مهتدی از کرج) گلپایگانی (بهجت بهرامی ازتهران) — سوسن (افتخارنصیبی ازآبادان) گیتی (منیژه بهارمست ازتهران) — روانبخش (باقر سوزنی دامغان) عهدیه (تورج رحیمی از ساری) رامین فرزاد (بیژن قریب از شاهی)

●●

باعرض تهنیت بهمه برندگان کادوهای با ارزش هنرمندان، باطلاع میرساند که جوایز اهدائی هنرمندان با پست سفارشی جهت آنان ارسال گردید.

«شوخی، شوخی»

جشن ازدواج

● همسر سپهرنیا ،وباو کرده وگفت عزیزم نمی‌خواهی بهمین سال ازدواجمان را جشن بگیری‌و گوسفندی را که در حیاط بسته‌ایم قربانی کنیم.

سپهرنیا باناراحتی روبهمسرش کرده وگفت بواسطه غلطی که من دهسال قبل کرده‌ام که نباید حیوان زبان بسته‌ای را بکشیم.

فرستنده: قربان زنگانـه (علی‌آباد گرگان)

تفریح

● فروزان رو بفردین کرده واز او پرسید

— فردین جون توسیگارمیکشی

— نه والله

— مشروب میخوری

— ابدا

— بازنها میانه‌ات چطور است

— استغفرالله حرفشو نزن

— پس وقتی بخواهی تفریح‌کنی چکار میکنی

— دروغ میگویم.

فرستنده محمدرضا مظفری (بابل)

پوست زنها

● ملك‌مطیعی : راستی میدانی که پوست زنها خوشرنك‌تر ازپوست مردها است .

ایرج قادری : خوب البته ، این یك امر طبیعی است .

ملك‌مطیعی : برعکس تو اشتباه میکنی، اتفاقا مصنوعی است.

فرستنده: امیر رنجبر (تهران)

علت واقعی

● ارحام صدر پسر خود را که شیطانی میکرد و شلوغ کـرده بود در قفس مرغها انداخت وباو گفت : تاپسر باتربیتی نشی‌ازقفس بیرونت نخواهم آورد .

پسر ارحام باشیطنت جـواب داد : بابا میدانم برای چه زندانیم کرده‌ای ، هرچقدر که این تو بمانم، مطمئن باش که تخم نخواهم‌گذارد.

کارخانه‌دار

● بهروزوثوقی و رضافاضلی در بالکن سینما نشسته بودندومنتظر شروع فیلم که ناگهان بهروز بـا تعجب و وحشت فریاد زد ، وای چقدر دراین شهر کله‌طاس زیـاد شده .

فاضلی که از این حرکـت بهروز وثوقی‌متعجب شده بودپرسید خوب بتوچه مربوط است بهروز با ناراحتی جواب داد : آخر تازگی من یك کارخانه شانه‌سازی بـاز کرده‌ام .

فرستنده : علیتقی حسینیان (رودسر)

تلافی

● سپهرنیـا با همسرش در خیابان داشت قدم میزد که دختر خوش هیکل و زیبائی از کنارش رد شد و باو سلام کرد . سپهرنیـا درحالیکه بادی بغبغب انداخته‌بود گفت : ببین چطور زنها بامن سلام وعلیك میکنند .

زن‌سپهرنیا درحالیکه‌لبخندی میزد گفت : به ، اینکه چیـزی نیست ، وقتی توبامن نیستی‌آنقدر مردها بامن حرف میزنند که حـد ندارد .

فرستنده : داود کوشیار (قزوین)

باغ وحش

● زرین دست و فرخ‌ساجدی بهباغ‌وحش رفته بودند . در حین گردش فرخ ساجـدی بهزرین‌دست گفت برو جلو قفس حیوانات بـه ایست تا ازتو عکس بگیرم .

ولی نگهبان باغ‌وحش متوجه شد وگفت آقا خواهش میکنم‌عکس نگیرید . مگه آن آگهی دم در رانخـوانده‌اید که اینجا عـکس گرفتن ممنوع است . فرخ ساجدی: میدانم ولی منکه نمی‌خواهم ازآن شتر عکس بگیرم‌میخواهم ازدوستم عکس بگیرم . نگهبان : باشد اینجا نباید ازهیچ حیوانی عکس گرفت.

فرستنده .م. هدایتی (تهران)

آدم احساساتی

● وقتی تونی کرتیس هنوز «کریستین‌کوفمان» را نشناخته بود وهنوز شوهرجنت‌لی بود . هرموقع در محافل هالیوودی و غیرهصحبت ازاو میشد میگفتند که تونی یك شوهر نمونه‌است و راجع‌به‌وفاداری او داستانهاتعریف‌میکردند . منجمله وقتی از اوپرسیدند : با بوسیدن «مریلین مونرو» در فیلم بعضی‌ها داغشو دوست دارنـد دچار چه احساسی شدیـد ؟ . تونی کرتیس جـواب داد : این احساس بمن دست داد که دارم «آدولف هیتلر» رامی‌بوسم .

فرستنده : میشا ایمـانی

بقیه در صفحه ٤٠

میگویند:

می‌گویند : دامنه اختلافـات‌فردین و وحدت روز بروز بـالا میگیرد : بدنیست بدانید وحـدت‌برای چشم هم چشمی بـا فـردین فیلمی باعنوان «من منهای : جهنم» راجلوی دوربین خواهد برد !!

می‌گویند : شجاعی خواننده‌ترانه نامهرسان بهدادگاه شکایـت کرده است : وی یادآوری نمـوده‌است که داریوش مهرجوئی باتوجه به‌استقبال مردم از ترانه نامهرسان‌فیلمی در حدود همین نام ؛ و بـا الهام از همین ترانه آماده نمایش دارد !!

می‌گویند : یکـی از علـل‌ناسازگاری بیك‌ایمانوردی‌باهمسرش این مسئلـه‌است که همسر بیك ـ ایمانوردی پایش را در یك کفش کرده و پیشنهاد نموده است که بایکـی از فیلم‌هایت را باید مهندس زرین‌دست : کارگردانی کند : یـا اینکه طلاق !

می‌گویند : بعد از موفقیـت‌فیلم‌های گروه سه نفری «رضا ـ صفائی ـ میری و محمدعلی‌بندانی» این گروه‌باپیشنهادات زیادی‌روبرو شده‌است: یکی از پیشنهادات‌مربوط به کمپانی کلمبیا : است کـه در صورت توافق: قراراست‌رضا صفائی‌فیلم علـی سورچی را باورسیون جدیدی برای این استودیو جلـودوربین ببرد ؛ میری و محمدعلی بندانی از شانس‌های مسلم جهـت‌بازی‌در این فیلم می‌باشند !!

می‌گویند: پلشت ملك‌مطیعی‌غلام ژاندارم را درخواب می‌بیند: شایع است که غلام ژاندارم به‌ناصر ملك‌مطیعی گوشزد کرده است که : پسرجان تو مگر ازمن تشکر کردی که پارس فیلم بخاطر مهدی مشکی ازتو تشکر بکند !!

تهیه‌از : مصطفی محمدی (اصفهان)

هشتمین فستیوال بین‌المللی فیلم توکیو

اداره کل امور سینمائی کشور باطلاع تهیه کنندگان فیلمهای کوتاه مدت ۸ یا ۱٦ میلیمتری میرساند .

هشتمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کوتاه آماتوری توکیو بعد ازدهم سپتامبر در توکیو تشکیل خواهد شد .

اعلام برندگان جوائز در نوامبر ۱۹۷۲ صورت خواهد گرفت .

داوطلبان درصورت تمایل میتوانند با ارائه بهترین‌فیلم خود و کسب اطلاعات بیشتر تا تاریخ ۱ر٦ر۵۱ بوزارت فرهنگ و هنر اطاق شماره ۱۱٦ تلفن ۳۱۱۲۴۸ مراجعه فرمایند .

اداره کل امور سینمائی کشور

نقد و منتقد

آنها روی بعضی از مسایل نحوه تلقی خاصی نسبت به فیلمها نداشته باشند ــ همانطوریکه تمام منتقدین انگلیسی از فیلم «زابریسکی‌ـ پوئیت» آنتونیونی، مثلا تعریف کردند و برعکس همه منتقدین امریکائی این فیلم را کوبیدند.

یکعده از دوستان ما، زمانی سخت تحت تاثیر «کایه در سینما» بودند ــ بی آنکه متوجه باشند که «کایه دو سینما»ئی‌ها کاتولیك هستند ــ مثلا «اریك رومر» یکی از کاتولیك‌های متعصب است و علاقه زیادی به شیوه مذهبش دارد و میدانیم که کاتولیك‌ها در دنیا درهر حال ایدئولوژیهای خاصی دارند و مواظب همدیگر هستند ــ مثلا هیچکاك هم کاتولیك است و علت اینکه «کایه در سینما»ئی‌ها اینهمه هیچکاك ، هیچکاك می‌کنند بخاطر کاتولیك بودن اوست ومی خواهند او را بدلایل ایدئولوژی های خاص مذهبی خود بمرحله خدایی برسانند ــ البته هیچکاك باعتقاد من یکی از استادان‌سینماست و شکی هم نیست ولی آنها دلایل خاصی دارند و موردی ندارد که نویسندگان ما تحت تاثیر قرار بگیرند و هیچکاك را از نقطه‌نظر آنها مورد ارزیابی قرار بدهند بلکه باید هیچکاك را همانطورکه هست، همانطور که می‌بینند بررسی نمایند.

ادامه دارد

پیتر باگدانویچ

مسئولیت‌های زندگی آشنا میشوند و تنها تفریح و وقت‌گذرانی آنها آمیزش‌های جنسی است ، آنهم پنهانی ، فاسد و تباه کننده .

باگدانوویچ ضمنا مرثیه‌ای برای آن روزهای خوب وپرحماسه تگزاس و غرب افسانه‌ای می‌سراید و برای این که نیت خود را بوضوح نشان داده باشد ، در شب عزیمت «دوئین» به جنگ کره نشان میدهد که جوانان شهر در تنها سینمای شهر که حالا درشرف تعطیل شدن است (چون‌مالکش مرده) جمع میشوند تا آخرین نمایش فیلم را مشاهده کنند ، فیلمی از هاواردهاکز باسم «رودخانه سرخ» ، و در خارج از سینما ، تگزاس واقعی ، در تاریکی بی‌امان مطلق فروخفته‌است.

باگدانوویچ ضمنا در این فیلم خود غیر از یادفیلم «رودخانه سرخ» از فیلم «پدر عروس» ساخته بسیار مشهور و کمدی «وینیست» موزیك فیلم از آهنگهای قدیمی سال ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ استفاده می‌کند و این آهنگها مرتب در سراسر فیلم شنیده میشود .

● «باگدانوویچ» برای‌ایفای نقش‌های حساس فیلم از وجود چند بازیگر گمنام و تازه استفاده کرده : نقش سانی را «تیموتی بار تومز» و نقش «دوئین» را «جف بریجز» سومین آکتور خانواده بریجزها ایفا می‌کنند . تیموتی بارتومز البته در فیلم‌های دیگری چون «حامی اسلحه‌اش را برداشت» شرکت کرده . وی پس از «آخرین نمایش فیلم» در «بیوه» همراه با «مگی‌اسمیت» ظاهر شده است . وی در فیلم باگدانوویچ پرفورمانس غم‌انگیز و حساسی را ارائه‌میدهد و باگدانوویچ درباره اومیگوید : «او صاحب‌غم‌آلودترین چشم‌هائی است که من تابحال دیده‌ام .»

«سی‌بیل‌شپرد» مانکن معروف آمریکائی به نقش «جی‌سی» یك دخترك لوند دبیرستانی ظاهرمیشود که «سانی» به آغوش او میرود ، در حالیکه دوستش «دوئین» هم عاشق این دخترك لوند وشهوانی است .

قبل از این که به معرفی‌فیلم بعدی باگدانوویچ «قضیه چیه ، دکتر» بپردازیم‌لازم است‌که اندکی هم درباره خود باگدانوویچ و سوابق کاری او صحبت کنیم . پیتر باگدانوویچ اصلا مجارستانی است و ۳۱ سال پیش در ایالت کینگستون نیویورك از پدر و مادری مجارستانی بدنیا آمده‌است . در مدرسه‌اش ضمن تحصیل به کار روزنامه‌نویسی روی‌میآورد وبررسی فیلم‌ها را آغاز میکند. بعدمیکوشد که شانس خود را برای بازیگری و کارگردانی تئاتر در برادوی آزمایش کند حتی یکی دونمایشنامه هم انتخاب میکندکه «چاقوی‌بزرك» و «یکبار در زندگی» نام دارند .

در بیست سالگی در مجله اسکوایر و بولتن موزه هنرهای مدرن شروع به نوشتن نقد فیلم می‌کند و خود در باره این روزها گفته است : «در تمامی این مدت ، در جستجو بودم ، جستجوی این که روزی کارگردان سینما بشوم.» درهالیوود او با «راجر کورمن» آشنا میشود و هم او ، باگدانوویچ را استخدام میکند و سرمایه‌ای‌جهت اولین‌فیلم او«هدف‌ها» دراختیارش میگذارد که این فیلم ، فیلم‌ترسناك و هیجان‌آوری بشمار میرود .

باگدانوویچ پس از «آخرین نمایش فیلم» به حیطه کمدی‌روی آورده‌وباشرکت «باربارااسترایسند» و «رایان‌اونیل» یك فیلم باسم «قضیه چیه ، دکتر ؟» ساخته که تا اندازه‌ای شاید تعجب‌آور باشد .

برای باربارا استرایساند این رل ، رلی است ابلهانه و از یك جهت تازگی دارد ، چون با کارگردانی کار میکند که باو اجازه نمیدهد در خط خودش راه برود و مثل فیلم‌های گذشته‌اش بازی کند . برای باگدانوویچ هم مشکل بود که با باربارا کار



* پیتر باگدانوویچ در حال هدایت «سی‌بیل‌شپرد» در صحنه‌ای از «آخرین نمایش فیلم» .

می‌کرد چون او شیوه خودش را بکار میبرد :

من اول باو «نه» میگفتم اما غالبا مواقعی که سرانجام با خواسته‌های او موافقت میکردم‌او آنقدر متعجب میشد که میگفت . تو واقعا منظورت این است که ایده‌ی‌من خوبه «ومن می‌خندیدم !»

بهرحال باگدانوویچ این بار از باربارا پرفورمانس درخشانی بدست داده و تفاوت کار او در این فیلم با سایر فیلم‌هائی که در گذشته بازی کرده ، کاملا آشکار است .

باربارا ، بنقش یك دختر خل و دیوانه و بهتر بگوئیم عجیب و غریب باسم «جودی» ظاهر میشود که با مرد خل وضعی باسم «هوارد» (رایان اونیل) آشنا میشود وبا هم‌رابطه برقرارمی‌کند. این دو نفر مسائل وپروبلم‌هائی مشترك دارند که با چهار چمدان یك شکل در میان انجمن موسیقی‌دانان سان‌فرانسیسکو قرارگرفته‌اند. ابلهانه است ، مگر نه ؟ اما این تازه آغاز کار است . در چمدان جودی یك دایرةالمعارف هست و در چمدان هوارد یك چند تاصفحه موزیك که وی امیدوار است به پیروزی او برای بردن جایزه ۲۰ هزار دلاری یك تئوری موزیك کمك کند ! دو چمدان دیگر به خانم وان هاسکینز و آقای اسمیت تعلق دارند . در چمدان خانم جواهرات فراوان و در چمدان‌آقا نامه‌ها واسرار مخفی دولت موجود است . این چهار نفر در طبقه هفدهم هتل هیلتون‌سان فرانسیسکو اطاق گرفته‌اند و همین‌جاست که تعویض چمدان‌های آنها آغاز میشود و این تعویض ، یك‌مقدار حادثه خوشمزه و کمیك که شامل صحنه‌های تعقیب درسان فرانسیسکو است بوجود می‌آورد .

فیلم بعدی «باگدانوویچ» یك وسترن خواهد بود و او امیدوار است از وجود هنری فاندا ، جان وین و جیمز استوارت در آن استفاده کند . امروزه همه دیگر میخواهند که پیتر باگدانوویچ‌آنها را در فیلمی کارگردانی کند ، و این امر هم شگفت‌آور نیست !

گزارش فیلم

می‌داد . از اینطریق شاید او می‌توانست دست‌کم انگیزه‌های‌محکم و قابل قبولی برای جنایات «تایگر» بدست دهد ، و نه مثلا انگیزه‌ای در آنحد که مقتوله از «تایگر» خواسته است از همسرش جدا شود وباوو زندگی کند! اما «تایگر» بخاطر «وفاداری» (؟!) دست به همسرش را بپذیرفته و گرل‌فرندش‌را به قتل رسانده !

***

● کارگردان : روژه وادیم ● تهیه کننده: جن رادنبری ● سناریست: جن رادنبری، براساس رولی از فرانسیس پولینی ● موزیك: لالوشیفرین ● فیلمبردار: چارلز راشر ● طول زمانی فیلم: ۹۱ دقیقه ● محصول سال ۱۹۷۱ کمپانی مترو‌گلدوین مایر.

● بازیگران : راك هادسن (تایگر)، آنجی دیکینسون (میس اسمیت) ، جان دیوید کارسون (پانس)، تلی ساوالاس (بازپرس پلیس)، کینان وین (پولدانسکی)، رادی‌مك دوال (پروفر).

اشکها و لبخندها

چرخیدم و برگشتم ، و حالاهایستی از دور و باشتاب سوی « کریم » میرفتم و درست از چند قدمی او میگذشتم . هردو خسته بودیم و هردو در خود ، آمدم و با شتاب نیز ، صورت مردی که همه چیزمرا از من گرفته بود ، هرلحظه در برابر چشمانم درشت و درشترمی‌شد ... و باز آمدم و باشتاب نیز و به چند قدمی او که رسیدم ، یکهو بخود آمدم و پدال ترمز را فشردم که سرعت اتوبوس را بگیرم و بچرخم و از «داود» وته «کریم»، دور شوم ، اما... نه، حتی نمیتوانم دوباره آن لحظه را به خاطر آورم، چه که «بدخورد» قدیمی بد قلقی کرده و ترمز آن برید و همینقدر احساس کردم که از روی «داود» گذشتم ، و من از آن بالا فقط صورت تکیده «داود» را مجسم میدیدم که با درد چرخیدوچشم‌هایش بسته شد و دیگر هیچ ...

وقتی دوباره چشم گشودم ، ساعتی گذشته بود ، بیابان از هیاهوی مردم انباشته شده بود ومن که با اتوبوس واژگون شده‌بودم، تنم سرد و چشمهایم بی‌فروغ شده و فقط ضربه های دستهائی راروی گونه خود احساس میکردم ، و زمانی که کم‌کم به خود آمدم ، نخستین چهره که دیدم ، «داود» بود ، بله «داود» که می‌خندید ، مرا می‌بوسید و دلداریم میداد ، و من در اینجا واقعا جان گرفتم و او را در آغوش کشیدم ...

مامورین و مردم‌همه دوروبرم بودند و «علامزاده» و «مجاوری» و بقیه نیز ... قلبم از تنگنادرآمده و بنوعی ناباورانه «داود» را که بود ، که زنده بود ، نگاه میکردم و لذت میبردم که او بااینکه به اتوبوس اصابت کرده و به زمین غلتید ، ولی بهرحال خود رانجات داد و باعث شد که من یکباردیگر زندگی را یافتم ...

و باین ترتیب شادترین خاطره من از قلب سیاه‌ترین آن برخاست .

● صفحه ۴۲

نظرها

غلام ژاندارم

وسترن وطنی

● «غلام ژاندارم» ازلحاظ آکسیون وحادثه‌وتحرك‌درسینمای ایران کمتر نظیر آن مشاهده شده است. فیلم ازمحتوائی نو و بکر برخوردار است ولی چه خوب بود اگر ملقب به‌وسترن ایرانی نمیشد. این اولین نوشته سینمائی سهیلا نصر است که آسیستان کارگردان هم بوده‌اند .

باکار سازنده فیلم، جاب منطقی آشنائی داریم و فیلم در خور توجه «پهلوان مفرد» را ازاو دیده‌ایم وقبلاهم دراین صفحه یادآوری نمودم‌که ایران صاحب یك فیلمساز مجرب شده است.

در «غلام ژاندارم» کمتر اشتباهات «پهلوان مفرد» را میتوان‌دید دراول فیلم پرسوناژ اصلی «غلام» معرفی میشود ودرطی همین معرفی اورا می‌شناسیم‌که شخصی است مخالف زورگوئی وظلم وجور باچهره‌ای مردانه ، خشن باچشمانی نافذ وفیلم اززمانی حکایت می‌نماید که در هرگوشه وکنار ایران کشت وکشتار وغارت رایج بود زمانی‌که می‌گفتند مرد وقتی مرد است که تفنك و اسبش در کنار او باشد .

فیلم در ضمن یك ضرب‌المثل ایرانی راکه «عاقبت گرگزاده گرگ‌شود» تصحیح می‌نماید ونشان میدهدکه همیشه اینطور نیست بلکه ممکن است بچه گرگ راه پدرش را در پیش نگرفته بلکه کاملا درقطب مخالف اوقرار گیرد البته «اگر باآدمی بزرگ شود» .

فیلم از صحنه‌های پرآنتریك آکنده است‌که همه دال برفهم «سطقی» است. بازیها مخصوصا بازی ناصر ملك مطیعی در خور تحسین وتمجید است.

مرجان هم ثابت می‌کند که اگر بخواهد میتواند یك ستاره سکسی باشد .

درپایان بجاست‌دست‌سازندگان این فیلم را بفشاریم وبآنها تبریك بگوئیم .

گلایه از حضرات دانشجو!

● غرض اصلی از نگارش مطلب این بود که چند روز پیش خبر شدیم در انجمن فیلم دانشکده اقتصاد چند فیلم از ابراهیم گلستان به همت و کوشش چند جوان علاقمند نشان‌داده می‌شود. سراسیمه خود را بدانجا رساندیم و بعد از مدت کوتاهی انتظار بالاخره در سالن نمایش باز شد و ما داخل شدیم . ولی هنوز در چهارچوب در بودیم که حرکات و سکنات عده‌ای که زودتر خود را بسالن انداخته‌بودند ما را چهارشاخ‌نگاه‌داشت . جریان از اینقرار بود که بعضی از آقایون ظاهرا دانشجوی ظاهرا خوشمزه خیال میکردند برای دید و بازدید عید به سلام خاله جانشان رفته‌اند و جماعتی که گوش تا گوش نشسته‌اند آمده‌اند تا شاهد هنرنمائی این آقایون‌باشند وکاری ندارند جزشنیدن خزعبلات این دردونه‌ها .

براستی که آدمیزاد نمیداند از دست این موجودات بکجا پناه برد . زیرا هرجا که این قبیل آدمها وجود دارند پا میگذارد مشاهده میکند که به یمن مبارکی وجود ایشان‌محیط به گودزنبورك‌خونه تبدیل شده است .

آنشب که بعد از عمری‌انتظار شانس یاری کرده بود که چندفیلم از آثار یك فیلمساز ببینیم باچنان صحنه‌ای روبرو شدیم که نظیرش در هیچ جمع قاپ‌بازی پیدا نمی‌شد. آنقدر این انگلها مزه پراندند ومزخرف گفتند و عربده کشیدند که مدت دو ساعت برما دو سال گذشت . جالب توجه اینجاست که این آقایون‌کلی هم دم‌ازروشنفکری میزنند و خود را انتلکتوئل نیز قلمداد میکنند و چنان سنگ‌سینمای خوب را بسینه میزنند و آنقدر ادعا دارند که نگو و نپرس . همین حضرات‌که خدا همجوارشان را نصیب هیچ تنابنده‌ای نکند اسم دانشجو را هم لکه‌دار کرده وبا خود یدك میکشند .

هیچ‌کس نیست به اینهابگوید به جائی که جای شما نیست چرا میروید و باعث ناراحتی و آزار آنهائیکه واقعا دوست دارند ازاین موقعیتهای نادر استفاده کنند می‌شوید ؟

چرا این‌چنین خود را صاحب همه‌کس و همه چیز میدانید ؟

آنشب چنان کاری کردندکه دل ما واقعا بحال گردانندگان این انجمن فیلم سوخت . زیرا باتمام مشکلات و مشقاتی که سر راه‌دارند ترتیب این جلسات را میدهند ولی بعضی‌ها از این جلسات اینچنین سوء استفاده می‌کنند .

در پایان صمیمانه آرزو می‌کنم که تعداد این تفاله‌ها آنقدر زیاد نشود که این‌چند جوان‌علاقمند را از عمل قابل ستایششان که جز شدت علاقه اسمی نمی‌توان برآن گذاشت منصرف گردانند .

عبدالرضا بقالی

جدال در کویر

سرکوب در مورد جدال در کویر میگوید :

جدال در کویر صرفا برای سرگرمی و تفریح مردم ساخته شده ولی درحالیکه همین سرگرمی را عده‌ای از راه رقص و آواز های جنجال‌آور بتماشاگر قالب می‌نمایند ، من و همکارانم سعی نموده‌ایم با بخطر انداختن جان خود ارائه دهیم که از این بابت از یکایک آنها خانم ملی‌لی و آقایان نریمان ، محسن آراسته ،مجید بهار ، قربانی ، هوشنگ ، مرتضی‌حدیقی و حسن رضائی سپاسگزارم همچنین از فیلمبردار آن علی صادقی و بخصوص از دوست عزیزم «داود ملاپور» که او رایکی از بهترین کارگردانان سینمای بومی‌خودمان میدانم .

ملاپور در این مورد میگوید :

من بعد از شوهر آهوخانم، باباکوهی و شب اعدام بساختن یك فیلم تجاری راغب شدم بهمین جهت وقتی غلامرضا «المنظور ملاپور ، سرکوب است» از من خواست جدال در کویر را برای اوبسازم قبول نمودم و با استفاده از سوژه‌ای که خود او بمن داده بود سناریویش راتنظیم نمودم جدال در کویر صرفا یك‌فیلم‌سرگرم کننده و تجاری است که برای تفریح تماشاگران آن ساخته شده ولی من سعی نموده‌ام در آن از لحظات سینمائی نیز بهره بگیرم .

جدال در کویر که هم‌اکنون درچند سینمای پایتخت و شهرستانها نمایش داده میشود توسط سازمان سینمائی چهلستون پخش میگردد .

مفیدی

کار او واقعا ایمان آوردم ، گفت «یك پرس بر زنده هم برای مفیدی بیارین !» .

— خوب جناب مفیدی، حرفی نداری که در اینجا بخواهی بزنی؟

— من برای آنکه به فیلم «حکیم‌باشی» علاقه‌ای خاص‌داشتم، بخاطر بازی در آن ، مجبور شدم که چند روزی از دانشکده‌ای که در رشته عروسکهای نمایشی آن به تحصیل اشتغال دارم ، غیبت نمایم ولی با توجه به رضایت از «حکیم‌باشی» ، فکر می‌کنم این به آن می‌ارزید ، و بهرحال فعلا که درصدد گرفتن لیسانس از دانشکده مزبور میباشم و انشاءالله درآینده بتوانم خدمتگزاری خود را در سینمای ایران بنحوی هرچه بهتر و کاملتر ادامه دهم .

— انشاءالله

شوخی

اشتباه

● سپهرنیا : دیروز من در خیابان مردی را دیدم بقدری‌شبیه توبود که باو سلام کردم .

همایون : او ... امیدوارم ۵۰ تومانی راکه بمن بدهکاری‌باو نداده باشی .

فرستنده : قربانعلی ایمانی سمنانی (سمنان)

با همکاران ما درشهرستانها آشنا شوید



احمد حیدرزاده کاسب
«نماینده تربت‌جام»



علی‌اصغر وزیریان
«نماینده تربت حیدریه»

برنامه این هفته گروه سینماهای

اونیورسال - ایران - پاسیفیک - مهتاب - کریستال - تیسفون - سائینا - پرسپولیس - مراد - موناکو - دریا - کارون - داریوش - آستارا «تجریش»

بوتیمار - لی‌لی

در اثر کوبنده‌ای از هیجان وسکس



فرار از زندگی



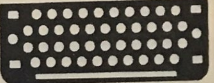
وبا شرکت :

سیمین - مرتضی احمدی - شهناز و سرکوب

کارگران : رضاصفائی

مدیر فیلمبرداری : رضاانجم‌روز

پاسخ سردبیر



خانم حشمت نیکی‌پور

مقصود شمارا ازپیمان اشتراکی متوجه نشدیم، اگر غرض مشترك شدن مجله است که میتوانید بدفتر مجله مراجعه فرمائید و ترتیب این کار را بدهید. حق اشتراك مجله برای یکسال ۷۵۰ ریال است.

آقای مهدی میرحسینی

در نامه خود هیئت داوران وجایزه سپاس را تهدید کرده‌اید در صورتیکه‌جایزه‌را ببهروز وثوقی ندهند، در سایر مطبوعات هیئت داوران را بقول خودتان استیضاح خواهید کرد. اگر شما واقعا در این مورد صلاحیت‌اظهارنظر داشتید که برای هیئت داوران انتخاب میشدید. نظر شما و سایرین را که برای ما محترم است طی رفراندوم درج کردیم. اجازه بدهید در مورد اهدای جوایز داوران قضاوت کنند وانیقدر سنك‌دیگران را بسینه نزنید.

دوشیزگان فاطمه و پوراندام

حتما بهروز وثوقی گرفتاریش زیاد بوده که نتوانسته پاسخ نامه شما را بدهد. او اکثر اوقاتش یا در سفر است و یا جلوی دوربین.

آستانه اشرفیه ــ علی‌اصغر معصومی

۱ــ اولین‌فیلم‌آرمان (بازگشت) محمدعلی جعفری (مردیکه رنج میبرد) سپهرنیا (دختری ازشیراز) ــظهوری (وارتیه‌بهاری) همایون (عروسك پشت‌پرده) وحدت (پنجمین ازدواج) ارحام صدر (شب نشینی در جهنم) بهمن مفید (قیصر) بود ۲ــ جین فوندا دختر هنری فوندا هنرپیشه قدیمی سینمای آمریکا است.

آقای علی‌اکبر درویش

۱ــ برای تهیه شماره ویژه مردان سحر ۱۵ ریال وجه نقد و آدرس دقیق خود را میتوانیدارسال دارید ۲ــ امکان دارد که شماره مخصوص گذراکبر را چاپ کنیم ۳ــ ۵شنبه همین‌هفته برندگان‌سپاس مشخص میشوند آرزومندیم که بیك ایمانوردی نیزجزو برندگان‌امسال باشد.

تهرای ــ آقای امیر رنجبر

۱ــ اولین شماره فیلم وهنر هجدهم فروردین ماه ۱۳۴۴ منتشر شد ۲ــ ظهوری ۴۸ سال دارد و فعلا تصمیمی بازگشت‌بسینما ندارد.

مینا میرزائی

نقش ستاره زن فیلمهای تنها درتاریکی و «چگونه میتوان یك میلیون دلار را دزدید» را ادری هیبورن بعهده داشت.

آقای جلال طوفان

۱ــ جویندگان طلا ــ دیکتاتور کبیر ــ لایم لایت ــ روشنائیهای شهر ــ مسیووردو ــ سلطان‌نیویورك کنتسی از هنك‌کنك ــ عصر جدید از فیلمهای معروف چارلی چاپلین میباشد ۲ــ کارگردان بن‌هور (ویلیام وایلر) کتاب آفرینش (جان هوستون) ده فرمان (سیسیل ب ــ دومیل) رومئو وژولیت (زفیره‌لی) هاملت (کوزینتسف) میباشند.

شاهرود ــ آقای حسن طالبی

مسابقه «جك هفته» ازمجله حذف شده والا اقدام بدرج مطلب شما میکردیم.

دامغان ــ محمد حسین رضائی برمی

۱ــ آقای منتجم از فعالیت هنری دست کشیده‌اند ودرشهرستانها باجرای برنامه می‌پردازند و بدین علت از وی خبری نداشتیم ۲ ــ عکس ایرج قادری را نیز همزمان بانمایش یکی از فیلمهایش چاپ خواهیم کرد.

بابل آقای محمدرضا مظفری

شوخی‌های شما بدان جهت‌نام قهرمانانش عوض شده که تا حدی صلاح نبود در مورد هنرمندان ایرانی چاپ شود. در مورد درج نظریات خوانندگان مجله برای سپاس، مصمم شدیم که نامه‌های وارده را چاپ نکنیم. باامیدموفقیت بیشتر برای شما.

تهران ــ آقای علی محتشمی

خیلی سپاسگزار خواهیم‌شد اگر مطالبی را که در مورد سینما تهیه نموده‌اید برای‌ما ارسال دارید که بسیار برای خوانندگان فیلم و هنر مفید خواهد بود. منتظر دریافت مطالب شما هستیم و از همکاری صمیمانه شما نهایت سپاسگزاریم.

آقای ابوالقاسم هنتی

اگر خواننده علاقمند فیلم و هنر باشید بارها نام کلیه فیلمهای فردین و بهروز وثوقی را چاپ کرده‌ایم. بشماره‌های قبلی مراجعه کنید.

آقای بهمن سمیعی

بچشم، سعی خواهیم کرد که شرح جامع و کاملی از مراسم‌اسکار امسال را در مجله چاپ کنیم.

مرند ــ آقای مرتضی حسینی

۱ــ حتما برای رفع این اشکال اقدام خواهیم کرد. از اینکه غلطهای چاپی مجله زیادشده متاسفیم ۲ــ عکس بهروز وثوقی‌را این‌هفته ملاحظه می‌کنید و عکس لی‌وان کلیف را نیز چند هفته قبل چاپ کردیم ۳ــ از سینمای ایران از بدو پیدایش تا پایان سال ۱۳۵۰ جمعا ۶۸۵ فیلم بنمایش درآمده است.

همدان ــ آقای ناصر احمدی

از مطلب ارسالی شما از پشت صحنه عطش استفاده شده‌است. از همکاری شما سپاسگزاریم.

اصفهان ــ آقای محمود اسدی

۱ــ سازنده موزیك متن فیلم جهنم باضافه من (انوشیروان روحانی) می‌باشد ۲ــ شماره مخصوص سپاس سا ل‌اول موجود نیست ۳ــ عکس رنگی از حسن واثقی !! ماتاکنون از آهنگسازان تصویر رنگی چاپ نکرده‌ایم.

آقای محمدحسن آقالی

بایستی سوژه فیلم تبلیغاتی خود را بسازمانهای سازنده فیلمهای تبلیغاتی بفروشید و قیمت آن بستگی بارزش و اهمیت سوژه دارد و در ضمن احتیاجی بکسب اجازه سناریو از وزارت فرهنك و هنر نیست.

آقای حبیب ادیبی و دوستان

۱ــ عکس تازه‌ای از داریوش تهیه و روی جلد چاپ خواهیم کرد ۲ــ برای‌جوادطاهری بآدرس سازمان سپنتا (بولوار الیزابت ــ خیابان هما) نامه ارسال دارید و برای فریبا خاتمی بآدرس سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی.

آبادان ــ آقای محمد حسن حمزه‌لوئی

۱ــ جوكهای شما اگرتصویب شده باشد حتما در صفحه شوخی چاپ خواهد شد ۲ ــ فیلم حکیم‌باشی یك فیلم خوب تجارتی امسال سینمای ایران است ومطالب مزبور جنبه تبلیغ دارد. در مورد فیلم جهنم باضافه من نیزپشت‌صحنه مطلبی داشتیم.

آقای امیرهوشنك صادقی

درمورد صحنه‌های تروکاژ فیلم ده فرمان بتفصیل درشماره‌های اولیه فیلم وهنر مطلب داشته‌ایم. تمام صحنه‌های معجزه حضرت موسی حقه سینمائی است. حتی سیاهی لشگرهای آن فیلم. چاپ عکس هنرمندان ایرانی نیز فعلا بروی جلد اختصاص یافته تابعد.

رشت ــ آقای اکبر بیابانی

۱ــ سعیدراد متولد تهران است وبرای شرکت در هر فیلم ۲۵۰۰۰۰ ریال دستمزد میگیرد ۲ــ ما مدتها است که فروش فیلمهای ایرانی را در مجله چاپ نمی‌کنیم ۳ــ از ملك‌مطیعی فیلمهای خاطر خواه ــ گروهبان ــ آماده نمایش است وفیلم مرد در دست تهیه و قرار است فیلم قربانی‌را برای عصر طلائی آغاز کند.

آقای احمد عاقلی

۱ــ تصور نمی‌کنم فیلمهائی چون دکامرون ــ مدءآ ــ درتهران بنمایش درآید و سایر فیلمها رانیز حتما با سانسور قسمتهای مختلفش بنمایش خواهند گذارد ۲ــ فیلم رگبار که هفته قبل بنمایش درآمد وبلوچ ــ پنجی و چشمه را حتما تا پایان امسال نمایش خواهند داد، اما تاریخ دقیق آن مشخص نیست.

سبزوار ــ آقای رضا فتاحی

فرم کنونی مجله با توجه بخواست خوانندگان مجله تهیه‌شده است وگروه‌زیادی‌آن‌را پسندیده‌اند شاید حالا بقول معروف این فرم دلشان را زده است که در مورد عکسها و مطالب خارجی اعتراض دارند، در هرحال بد نیست یك‌نکته را متذکر شویم که حیات مطبوعات با آگهی بستگی دارد. ما برای هر نسخه مجله‌ای که شما ۱۵ ریال می‌پردازید، ۱۳ ریال‌خرج می‌کنیم در حالیکه ۱۲ ریال از روزنامه فروش دریافت می‌کنیم. حالا معتقدید بخاطر آنکه گروهی از خوانندگان خوششان بیاید از چاپ آگهی‌صرفنظر کنیم، اگرواقعا چنین کنیم سرنوشت اسف‌بار سایر مطبوعات سینمائی دامنگیرمان خواهد شد.

ساری ــ آقای محمد هاشم منتظری

دوست عزیز یك تنه بقاضی رفته‌اید. حداقل مخارج تهیه فیلم درایران ٥ میلیون ریال است که این رقم شامل مواد خام ــ تبلیغات موزیك ــ فیلمبردار ــ کارگردان سناریو ــ خرج صحنه، هرپیشه و ده‌ها خرج دیگر است، تازه شما مدعی شده‌اید که فیلم برفرض‌شاطر عباس فقط پنجاه هزار تومان‌خرج برداشته. اگرفیلم‌وهنر از تهیه‌کننده دفاع‌میکنددرجه‌اول‌وظیفه خودش میداند زیراواقعا وضع‌تهیه فیلم‌و مخارج‌آن‌بیش ازحدروشرایط گذارده است.وتهیه‌کنندگان واقعی در شرایط بدی هستند، مسئله هنر در دنیای سینمای کنونی بدان صورت که مطرح کرده‌اید، فعلا مطرح نیست، تمام فیلمهای خوب وهنری جهان باشکست مادی روبرو بوده‌اند، حتما همان گونه که درنامه خود نامبرده‌اید هنوز مخارج مواد اولیه و خرج صحنه خود را برنگردانده است و شما حالا معتقدید که دیوار شیشه‌ای ساخته نشود ودر عوض اکران سینماها را سنجل‌های هندی و وسترن‌های ایتالیائی پر کند، ما که نظرمان چنین نیست.

سیاهکل ــ آقای‌سعدی مهدوی

۱ــ آدرس آس‌فیلم (خیابان قوام‌السلطنه ــ کوی ایرج ــ جنب بیمارستان شرکت‌نفت می‌باشد ۲ ــ برای شهروز راستین بآدرس ایماژ فیلم ــ خیابان فرح جنوبی ــ چهارراه اخگر) میتوانید نامه ارسال دارید. ۳ــ دستمزد بدی ــ حسن رضائی ــ علی دهقان معمولا بین ده تا سی هزار ریال است.

شماره مخصوص چهارمین دوره جشنواره سینمائی سپاس، با جالبترین رپرتاژها، تصاویر اختصاصی از برگزاری جشن و تابلوهای رنگی هنرمندان، ۱۱ خرداد منتشر میگردد.

دوست یابی

● بادوستداران پرویا قرص هرمند ارزنده سینمای ایران بیك ایمانوردی مایلم مکاتبه کنم.

اصفهان ــ خیابان زاهدی ــ کوی عارف ــ پلاك ۱۵ ــ منزل محمود علی‌اکبری ــ غلامعلی گل کار

● بادوستداران‌چارلز برونسون کلینت‌ایستوود ــ چارلتن هستن و طرفداران تیم پرسپولیس حاضر بمکاتبه‌ام

قزوین ــ خیابان خیام ــ کوچه نیاریان ــ پلاك ٤۳ ــ محمدراد

● بادوستداران‌عارف، گوگوش مهدیان ــ آغاسی و طرفداران‌فیلم وهنر حاضر بمکاتبه‌ام.

رضائیه ــ دروازه عسگرخان دفتر موزائیك سازی شمال ــ محمود صدری فروش

● باطرفداران بیك‌ایمانوردی ملك‌مطیعی ــ فردین ــ وثوقی حاضر بمکاتبه‌ام.

آمل ــ خیابان رضوانیه ــ کوی سیاهپور ــ پلاك ۱۵ ــ حسن جغتائی

● با خواهران و برادران علاقمند بهروز وثوقی مایلم‌مکاتبه کنم.

مرند ــ صندوق پستی ٤٤۷٫۳ سید مرتضی حسینی

● با کارگردانان تآتر، تلویزیون وسینما حاضرم مکاتبه کنم.

کاشان ــ کافه گلچهرگان ــ رضا کریمی

● با علاقمندان عارف وترانه های نامهربون، نصیحت ــ عشق‌تو نمی‌میرد ومهستی وخوانندگان فیلم وهنر درهرشرایطی حاضر بمکاتبه‌ام.

مرند ــ احسان صلح‌جو

● باتمام دختران وپسران طرفدار بیك ایمانوردی ــ فروزان ملك‌مطیعی مایلم مکاتبه داشته باشم

آبادان ــ احمدآباد ــ لین ۱۲ ــ کاشی ۹۱ ــ موسی پاینده

● طرفداران مد وزیبائی و علاقمندان فردین ــ مرجان ــ پیمان ــ آلن‌دلون می‌توانند بامن اگر بخواهند مکاتبه کنند.

تهران ــ میدان شهناز ــ خیابان صفا ــ خیابان صدوق ــ پلاك ۲۳٥ ــ امیر رنجبر

● با دوستداران فروزان ــ زری خوشکام ــ لی‌لی ــ فردین ــ ایرج قادری مایل بمکاتبه‌ام.

زنجان ــ دانشسرای پسران ــ سال سوم ــ محمد خالقی مقدم

● علاقمند مکاتبه با دوستداران بهروز وثوقی ــ ایرج قادری ــ ناصر ملك مطیعی و هنرمندان سینمای هند، وحیده رحمان، راج کمار و خوانندگانی چون عارف و گیتی هستم.

کرمان ــ چهار راه کاظمی ــ اول خیابان صمصام ــ آرایشگاه سعادت ــ حسن فخاری

● با علاقمندان پسر ودختر طرفدار ویلیام وایلر ــ جان‌وین ــ ملك‌مطیعی ــ سعیدراد ــ فردین مایلم مکاتبه کنم.

تهران ــ جاده شمیران ــ خیابان دولت ــ چهار راه دلبخواه ــ کوچه اردیبهشت ــ پلاك ٥۹ ــ حسن رضائی

● با دوستداران ملك‌مطیعی بهروز وثوقی ــ بهمن مفید ــ داود رشیدی ــ سعیدراد ــ گوگوش و خواننده معروف عارف حاضر بمکاتبه‌ام.

بابل ــ صندوق پستی ۱۰۹ ــ محمدرضا مظفری

● باعلاقمندان صدای حمیرا مهستی و دوستداران بهروز وثوقی ملك‌مطیعی ودایان اونیل مایلم مکاتبه کنم.

شیراز ــ خیابان فخرآباد ــ نرسیده بچهارراه اصلاح‌نژاد کوی دبیرستان خیام ــ پلاك ۳۷۰ ق ــ جهرازی

● با خواهران آبادانی، شیرازی وتهرانی، حاضرم مکاتبه کنم.

بندر ماهشهر ــ پاساژ شرکت نفت ــ پیراهن جوان ــ علی‌نبی سعید



فرهاد



● فرهاد خواننده گوشه‌گیر و منزوی که اینروزها در بستر بیماری‌افتاده وفعالیت‌های‌هنری‌اش مسکوت مانده است ، ازطرف‌عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه، برای اجرای چند برنامه دعوت شده و قرار است فرهاد در مهرماه سال جاری سفری به فرانسه نموده و ضمن استراحت چند روزه دراین کشور و اقدامی اساسی در مورد بیماری مرموزی که مدتهاست گریبانگیرش شده و حتی عده‌ای اعتیاد را سبب این بیماری می‌دانند ، باجرای برنامه هائی درآن کشور بپردازد و در بازگشت به ایران ، فعالیتی همه جانبه را در رادیو ، تلویزیون و سینما آغاز نماید .

۸ «بله» و ۸ «نه» از: رامش



— اینطور که بگوش میرسد به ورزش علاقه بیش از حد داری و بخصوص برای دیدن مسابقات فوتبال ، سر و دست میشکنی ؟

— بله .

— خیال نداری به پیشنهاد فیلمسازان جواب مثبت داده و کار بازیگری در فیلمها را در دست بگیری ؟

— نه .

— آیا علاقه تو بخانواده‌ات، تا بآن حد هست که در صورت لزوم ، بتوانی موقعیت هنری را فدای خانواده بکنی ؟

— بله .

— در حال حاضر پایبند بعشق بخصوصی هستی ؟

— نه .

— اینکه باندازه موهای سر خود ، کفش‌داری و در واقع یك کلکسیون کفش نسبتا استثنائی‌دارا هستی را تصدیق می‌نمائی ؟

— بله .

— از مسافرت کردن های پی‌درپی دلخوشی داری ؟

— نه .

— نامه هائی‌راکه طرفدارانت برای تو میفرستند ، تماما هریك را بنوعی جواب میدهی ؟

— بله .

— اهل حسادت در موارد مختلف هستی ؟

— نه .

— از جنجال و شایعه تنفر داری ؟

— بله .

— میتوان تو را آدم خوش قولی دانست ؟

— نه .

— دلت می‌خواهد که می‌توانستی تحصیلات راکه تا سیکل، دنبالش را گرفتی ، ادامه‌میدادی؟

— بله .

— به ولخرجی عادت داری ؟

— نه .

— گویا در مورد شعرهائی‌که برای آهنگ انتخاب می‌کنی‌وسواس شدیدی نشان میدهی و بهیچوجه حاضر نیستی که باجرای شعری که نمی‌پسندی ، حتی بابهترین آهنگ بپردازی ؟

— بله .

— به خرافات معتقد هستی ؟

— نه .

— به پس‌انداز کردن برای «فردا» توجه داری ؟

— بله .

— میتوان تو را پرخواب و تنبل محسوب نمود ؟

— نه .

الهه بجای پوران



چشمای من میل به‌گریه داره — میخواد بباره
دل نمیدونی که چه حالی داره — حالی داره
غمه بجز گریه دوا نداره — خدا نداره
هرچی تو دنیا غمه مال منه — روزی هزار بار دل من می‌شکنه
دل دیگه اون طاقتارو نداره — دیگه نداره
پشت سرهم داره بدمیاره — خدا میاره
از در و دیوار برا دل میباره — خدا میباره
زندگی آی زندگی — خسته‌ام خسته‌ام
گوشه زندون غم — دست و پا بسته‌ام
هرچی تو دنیا غمه مال منه — روزی هزاربار دل‌من‌می‌شکنه...

چندی پیش جهانبخش‌پازوکی ، ترانه‌ای ساخت که متن آن در بالا بچاپ رسیده‌و سپس پازوکی برروی آن ترانه «چشمای من میل به‌گریه‌داره ...» یك آهنك ساخت و تصمیم گرفت که اجرای آنرابرعهده پوران واگذارد، و در واقع این ترانه باصدای پوران‌ضبط شود ، ولی در روز ضبط، پوران بعلت سرما خوردگی ونداشتن آمادگی کامل، نتوانست حضور پیدا نماید و پازوکی‌نیز که قول تحویل این ترانه را در سر موعدی مقرر به‌رادیوداده بود ، بلافاصله باالهه‌وارد مذاکره شد و باین ترتیب‌الهه‌در حقیقت همکاری خود را با پازوکی آغاز ، و بجای پوران‌اجرای ساخته جدید پازوکی‌را عهده‌دار گردید !

میهمان هفته

● بالاخره در هفته گذشته شعری که ایرج جنتی عطائی‌برروی سمفونی شماره چهل موزارت‌تنظیم کرده بود باصدای گیتی ضبط شد و بدنیست بدانید که جنتی عطائی یکی از بالاترین رقمهای دستمزدرا برای سرودن این شعر دریافت‌داشته است . در ضمن جنتی عطائی که میهمان این هفته شوی تلویزیون فریدون فرخزاد میباشد ، دو ترانه جدید هم سروده که بابك بیات آهنگسازی که اخیرا فعالیت‌پی‌گیری را آغاز نموده و قراراست که موزیك متن فیلم «شیر تو شیر» نیز توسط او ساخته شود ، آهنك هائی برروی این ترانه های جدید جنتی عطائی ساخته است .

نلی بجای دومین ستاره

● بالاخره نلی‌برای خواندن بجای ارغوان درفیلم «ساعت‌فاجعه» انتخاب شد و ترانه‌ای باصدای‌نلی که شعر آن سروده مسعود هوشمند بوده و سازنده آهنك آن‌نیز حسین واثقی ، برای فیلم مزبور ضبط گردید وباین ترتیب بعداز«اتل‌متل توتوله» که نلی در آن بجای مهناز خوانده ، ارغوان دومین‌ستاره‌ایست که نلی برای خواندن بجای او انتخاب گردیده است .



لالائی گوگوش برای کامبیز

● «لالائی» ، نام یکی از آخرین ترانه هائی است که قبل از سفر گوگوش به خارج ، باصدای او ضبط گردید و بدنیست بدانید که سراینده این ترانه کریم‌محمودی میباشد و پرویز غیاثیان سازنده آهنك آن است و « لالائی » در حقیقت لالائی و یا در واقع نوعی درددل گوگوش برای پسرش کامبیز بحساب می‌آید و در ضمن قراربود که گوگوش دریك‌برنامه تلویزیونی ودر یك دکور استثنائی ، باتفاق پسرش ظاهر شده و «لالائی» را اجرا نماید ولی گوگوش حاضر نشد که باین ترتیب پسرش‌را وارد کار هنری خویش نماید و بهمین جهت نیز ضبط برنامه تلویزیونی مورد نظر بتاخیر افتاد و حال با طولانی شدن مسافرت گوگوش ، بعید نیست‌که فعلا به پخش «لالائی» از رادیو و بصورت صفحه اکتفاء گردیده و پس از بازگشت، ترتیب تهیه برنامه تلویزیونی که ذکرش رفت ، باشرکت گوگوش واحتمالا در صورت رضایت او، پسرش‌کامبیز داده شود .


P-51-5
یکدنیالذت
بابستنی قیفی
کانادافراست
تهیه شده در کارخانجات لبنیات پاستوریزه پاک